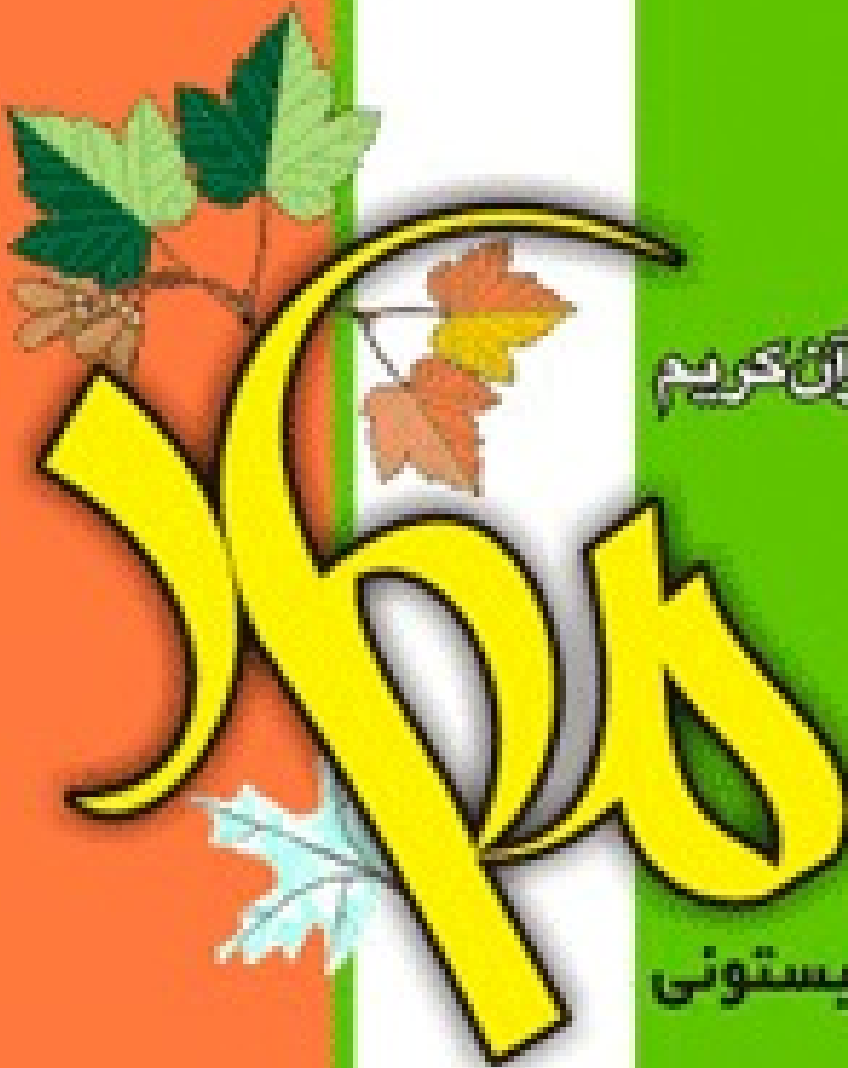


معاد

شعنائسی در قرآن کریم

دکتر محمد بیستونی

جلد ۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معادشناسی در قرآن کریم

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	معادشناسی در قرآن کریم (جلد ۱)
۷	مشخصات کتاب
۷	فهرست مطالب
۹	الإهداء
۹	متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج سیدمرتضی خاتمی در خصوص
۱۰	مقدمه
۱۰	معنای لغوی و اصطلاحی معاد
۱۱	جهان پس از مرگ و پایان کشمکش‌ها
۱۱	شأن نزول
۱۲	امکان و اثبات معاد از راه توجه دادن به آفرینش آغازین انسان
۱۲	شأن نزول
۱۳	به پرتوی از قدرت خدا بر فراز سرتان بنگرید
۱۶	تصویرسازی زیبای قرآن کریم درباره معاد
۱۶	پرتوی از شاهکار خدا در آفرینش
۱۸	پندار شرک‌گرایان درباره معاد و روشنگری قرآن
۱۹	چرا انکار معاد؟
۱۹	تفکر برانگیزترین دلیل در امکان معاد
۲۰	مردگان را این گونه زنده می‌سازیم
۲۲	معاد و قصه اصحاب کهف
۲۳	از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن!
۲۳	و آنگاه...
۲۴	سه دیدگاه

- ۲۵ معاد در عالم جنین
- ۲۸ دلایل معاد در عالم گیاه
- ۲۸ معاد و دو پرسش تفکرانگیز و هدایت‌بخش
- ۲۹ دلایل معاد
- ۳۰ امکان معاد از طریق اثبات آفرینش نوزاد
- ۳۰ امکان معاد از طریق اثبات وفات
- ۳۱ امکان معاد از طریق اثبات حیات در اراضی موات
- ۳۳ امکان معاد از طریق اثبات پیدایش آب
- ۳۴ امکان معاد از طریق اثبات پیدایش آتش
- ۳۵ دلایل هفتگانه برای امکان معاد (۲)
- ۳۶ روز آشکار شدن بازندگی و زیان‌کاری جبران‌ناپذیر
- ۳۷ از آن خبر بزرگ می‌پرسند؟
- ۳۹ چگونگی آفرینش جدید در قیامت
- ۴۱ آیابدن‌ها و استخوان‌های پوسیده دگر باره پامی‌خیزند؟
- ۴۱ شأن نزول
- ۴۱ دوزخیان تیره‌بخت
- ۴۲ معاد تجلی‌گاه ارزش‌های واقعی
- ۴۳ «کتابنامه»
- ۴۴ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

معادشناسی در قرآن کریم (جلد ۱)

مشخصات کتاب

- سرشناسه: بیستونی محمد، ۱۳۳۷ -
 عنوان و نام پدید آور: معادشناسی در قرآن کریم/تالیف محمد بیستونی؛ گروه تحقیق صفورا بیستونی، زهرا بیستونی، آسیه بیستونی.
 مشخصات نشر: قم: بیان جوان ۱۳۸۵.
 مشخصات ظاهری: ۲۶۰ ص.
 شابک: ۹۶۴-۸۳۹۹-۸۳-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
 موضوع: معاد -- جنبه‌های قرآنی
 شناسه افزوده: بیستونی صفورا
 شناسه افزوده: بیستونی زهرا
 شناسه افزوده: بیستونی آسیه
 رده بندی کنگره: BP۲۲۲/ب۶م۹۳ ۱۳۸۵
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴
 شماره کتابشناسی ملی: م۸۵-۴۶۹۷۶

فهرست مطالب

- موضوع صفحه
 متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت «آیه الله حاج سید مرتضی خاتمی» ۸۰۰۰
 مقدمه ۷۰۰۰
 معنای لغوی و اصطلاحی معاد ۹۰۰۰
 جهان پس از مرگ و پایان کشمکش‌ها ۹۰۰۰
 شأن نزول ۱۰۰۰۰
 امکان و اثبات معاد از راه توجه دادن به آفرینش آغازین انسان ۱۳۰۰۰
 شأن نزول ۱۴۰۰۰
 به پرتوی از قدرت خدا بر فراز سرتان بنگرید ۱۷۰۰۰
 «(۱۳۱) موضوع صفحه
 تصویرسازی زیبای قرآن کریم درباره معاد ۲۷۰۰۰
 پرتوی از شاهکار خدا در آفرینش ۲۹۰۰۰
 پندار شرک گرایان درباره معاد و روشنگری قرآن ۳۴۰۰۰
 چرا انکار معاد ۳۸۴۰۰۰

تفکر برانگیزترین دلیل در امکان معاد ۳۹۰۰۰

مردگان را این گونه زنده می‌سازیم ۴۴۰۰۰

معاد و قصه اصحاب کهف ۵۰۰۰۰

از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن ۵۳!۰۰۰

و آنگاه ۵۵...۰۰۰

(۱۳۲) ﴿﴾

موضوع صفحه

سه دیدگاه ۵۷۰۰۰

معاد در عالم جنین ۶۲۰۰۰

دلایل معاد در عالم گیاه ۷۰۰۰۰

معاد و دو پرسش تفکرانگیز و هدایت‌بخش ۷۲۰۰۰

دلایل معاد ۷۶۰۰۰

حکم پدیده‌های همانند یکسان است ۷۶۰۰۰

امکان معاد از طریق اثبات آفرینش نوزاد ۷۸۰۰۰

امکان معاد از طریق اثبات وفات ۸۰۰۰۰

امکان معاد از طریق اثبات حیات در اراضی موات ۸۴۰۰۰

(۱۳۳) ﴿﴾

موضوع صفحه

امکان معاد از طریق اثبات پیدایش آب ۸۹۰۰۰

امکان معاد از طریق اثبات پیدایش آتش ۹۲۰۰۰

دلایل هفتگانه برای امکان معاد ۹۷۰۰۰

روز آشکار شدن بازندگی و زیان کاری جبران‌ناپذیر ۱۰۰۰۰۰

از آن خبر بزرگ می‌پرسند ۱۰۶۴۰۰۰

چگونگی آفرینش جدید در قیامت ۱۱۲۰۰۰

آیابدن‌ها و استخوان‌های پوسیده دگر باره پامی خیزند ۱۱۸۴۰۰۰

شان نزول ۱۱۹۰۰۰

دوزخیان تیره‌بخت ۱۲۰۰۰۰

معاد تجلی‌گاه ارزش‌های واقعی ۱۲۴۰۰۰

(۱۳۴) ﴿﴾

این کتاب از سری «۳۰ عنوان» کتاب‌های جدیدی است که در عرصه تفسیر موضوعی قرآن کریم برای جوانان عزیز با حمایت

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تولید و منتشر می‌شود.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

(۱۳۵) ﴿﴾

الْإِهْدَاءِ

إِلَى سَيِّدِنَا وَبَيْنَنَا مُحَمَّدٍ
 رَسُولِ اللَّهِ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَى مَوْلَانَا
 وَمَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى بَضْعَةِ
 الْمُضْطَفَى وَبَهْجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَإِلَى سَيِّدَتِي
 شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبِطَيْنِ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَإِلَى الْإِثْمَةِ الشَّعْبَةِ
 الْمُعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بَقِيَّتَهُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ وَوَارِثِ عُلُومِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدَّةَ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ وَالْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَمَعَالِمِ الدِّينِ،
 الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ
 الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُذِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَّمَسْنَا
 وَأَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَفِرَاقِكَ وَجِنْنَا بِبِضَاعِهِ
 مُرْجَاهُ مِنْ وَلَايِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ
 فَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ
 إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(۴)

متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج سیدمرتضی خاتمی در خصوص

«روش انس با قرآن» و تألیفات تفسیری جناب آقای دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن منشور هدایت، راهنمای جاوید، مبشر نور و برکت و «نسخه شفا بخش» برای همه انسان‌ها می‌باشد. این نور روشنگر و ابر باران خیز و «نسیم معنوی و جانبخش حیات» باید به عمق جان و روح نفوذ نموده و با روش‌های صحیح و کارشناسی شده در متن زندگی و فعالیت‌های فردی و اجتماعی همه انسانها خصوصا «اهل قبله» قرار گیرد.

در همین راستا، فرزند معنوی و عزیزم جناب آقای «دکتر محمد بیستونی» که از عنفوان جوانی در خدمت «قرآن و مساجد» بوده است. در یک تلاش طاقت‌فرسا و منظم که بنده از ۱۰ سال پیش، مستقیماً در جریان آن قرار گرفتم «طرح جدید و دقیقی» را تحت عنوان «روش انس با قرآن» از طریق «کارگاه آموزشی مفسرین جوان» ابداع نموده است و کلیه منابع تحقیقاتی آن را نیز شخصاً تألیف کرده و همه آن‌ها را قبل از چاپ و نشر برای «تصحیح لفظی و محتوایی و اعرابی» به رؤیت اینجانب رسانده است. بنده نیز با کمال دقت و حوصله تمامی آن‌ها را از اول تا آخر مطالعه و تصحیح نمودم.

تألیفات قرآنی جناب آقای دکتر محمد بیستونی که عموماً در حوزه «تفسیر موضوعی و زنجیره‌ای قرآن کریم»

(۵)

می‌باشد، بسیار ساده و برای عموم مردم و متدینین خصوصاً «نوجوانان و جوانان عزیز» کاملاً قابل استفاده بوده و می‌تواند تحوّل عظیمی را در «مؤانست نسل جوان با محتوای قرآن کریم» خصوصاً در حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و مراکز آموزشی و دولتی کشور به همراه داشته باشد.

از ویژگی‌های بارز تألیفات تفسیری ایشان، توجه به «تفسیر موضوعی و زنجیره‌ای (تفسیر قرآن باقرآن)» می‌باشد که در نوع خود بی‌نظیر است.

امیدوارم جوانان عزیز مسلمان در سراسر جهان وجود وی را غنیمت شمرده و از تألیفات قرآنی ایشان که بحمدالله اخیراً به زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی نیز در دست چاپ و انتشار می‌باشد، حداکثر استفاده را بنمایند.

آرزوی منم خداوند تبارک و تعالی به این برادر باذوق و علاقمند به قرآن و مسائل جوانان توفیق ادامه مخلصانه چنین «تلاشهای مفید و مؤثر قرآنی» را بیش از پیش عنایت فرماید.

بتاریخ ۲۷/۱۳۸۲ ه. ش.

۲۷ رجب المرجب ۱۴۲۴ ه. ق.

مبعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله

سید مرتضی خاتمی

(۶)

مقدمه

یکی از مسائل اساسی همه ادیان الهی و مکاتب فکری، موضوع معاد و بازگشت انسان پس از مرگ می‌باشد. انسان‌ها از طریق انبیاء الهی از آغاز به این نکته توجه داده شدند که دنیای خاکی، آخرین عالم آنها نیست و پس از این جهان و عالم قبر و برزخ، عالم آخرت در انتظار آنهاست. بر همین اساس اصل معاد مورد اتفاق همه ادیان و دانشمندان باانصاف قرار گرفته است ولی در مورد چگونگی آن در سه مسئله مهم اختلاف نظر و بحث‌های مختلفی وجود دارد. این سه مسئله عبارتند از: چگونگی معاد (معاد جسمانی یا روحانی)، واقعیت نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنمی، مفهوم معانی عذاب و میزان و صراط و خلود و... در مسیر کشف حقیقت بحث‌های مربوط به معاد تنها کسانی موفق بوده‌اند که مسائل متنوع معاد را از سرچشمه وحی و قرآن کریم و با استفاده از توضیحات حاملین وحی که انبیاء

« (۷) »

عظام‌الهی و معصومین علیهم‌السلام هستند، دریافت نموده‌اند، زیرا معاد و سرای جاودان و کمیت و کیفیت آن از اسرار غیبی است که جز از مسیر پیامبران و جانشینان ایشان هرگز برداشت صحیح و کاملی از بحث حاصل نمی‌شود.

کتابی که ما و شما اکنون در محضر آن هستیم، حاصل تلاشی است که بنا دارد بخش قابل توجهی از مسایل معاد را، با بیانی ساده و در حداقل حجم نوشتاری (Fast book) برای استفاده بهتر جوانان عزیز، مورد بررسی قرار دهد.

امیدوارم با درک بهتر موضوع معاد، تأثیر رفتاری اعتقاد به آن در زندگی فردی و اجتماعی ما و شما بیش از پیش آشکار گردد.

دکتر محمد بیستونی

رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران - اسفند ماه ۸۲

« (۸) »

معاد از عود به معنای رجوع و برگشتن است. محل استعمال آن در قرآن کریم نوعاً در بازگشت به شیء اول است. مثل «وَمَنْ عَادَ فَيَنْتِمْ إِلَهِ مِنْهُ» (۹۵ / مائده) یعنی هر کس بازگشت کند خدا از وی انتقام می‌گیرد. معاد مصدر میمی و اسم زمان و مکان است به معنای زمان و مکان بازگشت. (۱)

جهان پس از مرگ و پایان کشمکش‌ها

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ. (۲)
 ۱- قاموس قرآن، آیه‌الله قرشی، ج ۵، ص ۶۶.
 ۲- ۳۸ / نحل .

« (۹) »

و با سوگندهای سخت [خود] به خدا سوگند یاد کردند که خدا آن کس را که می‌میرد برنخواهد انگيخت. چرا، [برخواهد انگيخت و این وعده‌ای است درست بر عهده او، [که به آن وفا خواهد کرد،] اما بیشتر مردم نمی‌دانند.

شان نزول

در شأن نزول و داستان فرود آیه مورد بحث آورده‌اند که: این آیه در مورد یکی از تاریک اندیشان و شرک گرایانی که معاد و جهان پس از مرگ را انکار می‌کرد فرود آمد. داستان این گونه بود که مرد باایمانی از فردی شرک گرا مقداری طلب داشت که آن را مطالبه کرد و در ضمن گفتارش او را از حساب و کتاب خدا و جهان پس از مرگ ترساند.

« (۱۰) »

اما آن مرد شرک گرا گفت: به راستی تو فکر می‌کنی که پس از مرگ زنده خواهی شد؟ من سوگند یاد می‌کنم که پس از مرگ، زنده شدن و حساب و پاداشی نخواهد بود.

اینجا بود که این آیه شریفه، به باور «أبوالعالیه» بر قلب پاک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرود آمده که:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا

در ادامه سخن از منطق پوسیده شرک گرایان، اینک به بیان نوع دیگری از کجروی‌ها و کج‌اندیشی‌های آنان پرداخته و می‌فرماید:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ

شرک گرایان با سرسختی و پافشاری بسیاری سوگند یاد کردند که خدا در روز رستاخیز کسی را که مرده است دیگر زنده نخواهد ساخت.

خدا در پاسخ گفتار بی اساس آنان می‌فرماید:

« (۱۱) »

بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا

چرا، خدا مردگان را زنده می‌سازد. این وعده‌ای است که او داده و بر ذات پاک اوست که به وعده‌اش وفا کند؛ چرا که وعده او حق است و در آن تخلف راه ندارد.

افزون بر آن، اگر رستاخیزی در کار نباشد، تکلیف بیهوده است؛ چرا که تکلیف و تعهد و وظیفه و مسئولیت آن گاه درست جلوه می‌کند که پاداش و کیفری باشد و گرنه مفهومی نخواهد داشت.

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.

اما بیشتر مردم نمی‌دانند و به خاطر کفر و مخالفت با پیامبران به درستی رستاخیز ایمان نمی‌آورند. به باور پاره‌ای منظور این است که بیشتر مردم به حکمت روز رستاخیز و

(۱۲) ﴿

زنده شدن مردگان پی نبرده، به همین جهت آن را دروغ می‌انگارند. (۱)

امکان و اثبات معاد از راه توجه دادن به آفرینش آغازین انسان

أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ (۲)

[آیا این انسان تاکنون درباره آفرینش خویشتن نیندیشیده؟! [و آیا [این] آدمی ندیده [و ندانسته] است که ما او را از نطفه‌ای [ناچیز] آفریدیم، پس به یکباره او ستیزه‌جویی نمایان گردید؟!]

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمد بیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۱۴ صفحه ۲۰۰ تا ۲۰۲ .
۲- ۷۷ / یس .

﴿ (۱۳)

شأن نزول

در شأن نزول و داستان فرود این آیات مفسران چنین آورده‌اند:

روزی یکی از شرک‌گرایان، به نام «أَبِي بَنِي خَلْفٍ» و یا «عاصُ بْنُ وَائِلٍ» یک قطعه استخوان پوسیده - را که از شدت پوسیدگی در حال فروپاشی و پودر شدن بود پیدا کرد - و آن را به همراه خود نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آورد و فریاد برآورد که! هان ای محمد! چه کسی می‌تواند این استخوانهای پوسیده را دگرباره زندگی بخشد؟ و چه کسی باور می‌کند که این استخوان‌های پودر شده دگرباره جامه هستی بپوشند؟!]

به راستی آیا تو می‌پنداری که خدا دگرباره این‌ها را زنده می‌سازد؟!]

پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آری، نه پندار که یقین دارم؛ و آنگاه بود که این آیات هفتگانه بر قلب مصفای آن حضرت و برای پاسخگویی به آن پندارها و تردیدها فرود آمد. (۱)

﴿ (۱۴)

با این بیان آن پدیدآورنده توانا و دانایی که می‌تواند در راه آفرینش و رشد بخشیدن به انسان او را از این مراحل چندگانه به صورت شگفت‌انگیزی عبور دهد و او را از نطفه‌ای ناچیز و بی‌مقدار به اوج کمال و اعتدال برساند و به او قدرت مقایسه و گزینش و انتخاب و بحث و کشمکش بدهد، چگونه نخواهد توانست آفرینش دیگری را در آستانه رستاخیز و روز رستاخیز پدید آورد و انسان را برای حسابرسی و دریافت پاداش و کیفر احضار نماید؟

۱. آیه ۷۷-۸۳.

﴿ (۱۵)

و تازه می‌دانیم که آفرینش دگرباره از آفرینش آغازین آسانتر است، چرا که این تنها پدید آوردن است، اما آن، افزون بر پدید آوردن پدیده‌های گوناگون، ابداع و ابتکار و پدید آوردن بدون هیچ سابقه و نمونه می‌باشد.

روشن است که آفرینش انسان را بسان پیدایش جهان و پدیده‌های گوناگون آن نمی‌توان به طبیعت نسبت داد، چرا که طبیعت بدان

دلیل که فاقد حیات و توان و شعور است، در حکم مرده می‌باشد؛ با این بیان چگونه می‌توان از آن انتظار انجام کاری به این شکوه و عظمت را داشت؟ و یا آفرینش انسان، این شاهکار عظیم و بهت‌آور جهان هستی را به آن نسبت داد؟! و نیز نمی‌توان آفرینش انسان و یا جهان را ره‌آورد تصادف و اتفاق نگریست، چرا که برای پیدایش هر پدیده‌ای پدیدآورنده‌ای توانا و دانا لازم است و جز این را خرد سالم و وجدان و فطرت نمی‌پذیرد و قانع نمی‌گردد. آیه مورد بحث به این نکته جالب و تفکرانگیز نیز رهنمون است که انسان در شناخت آفریدگار هستی و گزینش دین و آیین و راه و رسم زندگی، باید خردمندانه و

(۱۶) ﴿﴾

هوشیارانه عمل کند و با آگاهی و اندیشه و شناخت، با دین روبرو گردد؛ چرا که قرآن در این آیه بر شرک‌گرایان دلیل و برهان می‌باراند و از آنان می‌خواهد که آفرینش دگرباره را با توجه به آفرینش نخست مورد مطالعه قرار دهند و این را به آن قیاس نمایند؛ و نیز کسانی را که به آفرینش انسان و جهان اقرار می‌کنند، آنان را به پذیرش آفرینش دگرباره ملزم می‌سازد و روشنگری می‌کند که همان آفریدگار توانا و دانا و فرزانه‌ای که جهان و انسان را آفرید، بر آفرینش دگرباره نیز تواناست. (۱)

به پرتوی از قدرت خدا بر فراز سرتان بنگرید

آیا به کران تا کران آسمانها بر فراز سرشان نگریسته‌اند که چگونه ما آنها را
۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمد بیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۲۳ صفحه ۵۳ تا ۵۵.
(۱۷) ﴿﴾

بدون هیچ ستون و پایه‌هایی دیده شدنی ساخته و پرداخته و چگونه به آنها نظام بخشیده‌ایم؟
وَزَيَّنَّاهَا

و چگونه آن را به وسیله ستارگان ثابت و سیار آراسته ساختیم و زینت دادیم؟
وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ

و برای آن آسمان بلند و زیبا هیچ شکاف و گسستگی نیست و سراسرش از نظم بهت‌آور و اندازه‌گیری شگفت‌انگیز و قدرت‌نمایی اندیشاننده خبر می‌دهد.
به باور پاره‌ای از مفسران پیشین منظور این است که و در آن هیچ تفاوت و اختلافی نیست و کران تا کران آن براساس حساب و نظم پدید آمده است.
(۱۸) ﴿﴾

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۱)

و زمین را [چگونه] گسترانیدیم و در آن کوه‌هایی فرو افکندیم و از هر نوع [گل و گیاه زیبا] و دل‌انگیز [در آن رویانیدیم؛
واژه «بَهِيجٌ» و «بَهَّجَاتٌ» به مفهوم منظره زیبایی است؛ بسان گل‌ها و گیاهان و بوستان‌ها و درختان سرسبز و خرم که در برابر
تماشاگران زیبا و دل‌انگیز جلوه می‌کند.

تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (۲)

تا برای هر بنده بازگشت‌کننده‌ای بینش‌بخش و پندآموز باشد.

آری، همه این کارها به منظور آگاهی بخشیدن به مردم بود تا به وسیله این آیات و
۱- ۷ / ق .

۲- ۸ / ق .

﴿ (۱۹) ﴾

نشانه‌های قدرت خدا در کران تا کران هستی، بندگانش بینا و آگاه گردند و راه دین‌گرایی و دین‌باوری و دینداری برایشان آشکار گردد و برای آنان که رو به بارگاه خدا می‌کنند بینش‌افزا و عبرت‌آموز باشد.

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ (۱)

و از آسمان [بلند] آبی پربرکت فرود آوردیم و به وسیله آن باغ‌ها و دانه‌های درو شدنی را رویانیدیم.

«حصید»: به انواع دانه‌ها و گیاهان درو شدنی گفته می‌شود.

به باور «فَتَادَة» منظور این است که در زمین دانه‌های گندم، جو و از هر دانه‌ای که درو می‌گردد رویانیدیم؛ چرا که این‌ها پس از رسیدن به کمال چیده می‌شوند. با این بیان واژه «حَبَّ» همان «حصید» می‌باشد و نظیر اضافه حق به یقین در «حَقُّ الْيَقِين» می‌باشد و یا همانند اضافه مسجد به جامع.

۱- ۹ / ق .

﴿ (۲۰) ﴾

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ (۱)

و [نیز] درختان تناور خرما را که شکوفه‌هایش در هم پیچیده است.

«باسقات»: این واژه جمع «باسقَة» به مفهوم بلند قامت آمده است.

«طَلْع»: به شاخه درخت خرما و نیز به میوه و ثمره آن و در آغاز کار و شکوفایی‌اش گفته می‌شود، چرا که نمایان می‌شود.

«نَضِيد»: به مفهوم متراکم و روی هم انباشته و روی هم چیده شده آمده است.

و نیز نخل‌های بلند و سر به آسمان کشیده، به وسیله این باران سودبخش و زندگی‌ساز رویانیدیم.

۱- ۱۰ / ق .

﴿ (۲۱) ﴾

لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ

نخل‌هایی که دارای میوه‌ها و خوشه‌های متراکم و روی هم چیده‌اند.

واژه «طَلْع» به مفهوم نخستین چیزی است که از میوه درخت خرما پیش از شکافته شدن، نمایان می‌گردد. و آنگاه که از پوسته خارج شود، به آن «نَضِيد» می‌گویند.

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَخْيَيْنَا بِهِ بَلَدَهُ مِثْلًا كَذَلِكَ الْخُرُوجِ (۱)

تا [رزق و] روزی بندگان [ما] باشد؛ و با آن [آب] سرزمینی را که مرده بود زندگی بخشیدیم؛ [آری،] [برآمدن] [مردگان از دل خاک نیز] [همین گونه خواهد بود.

۱- ۱۱ / ق .

﴿ (۲۲) ﴾

با این بیان همه رزق و روزی‌ها و همه نعمت‌هایی که انسان‌ها از آن‌ها در زندگی بهره می‌گیرند از جانب خداست و همه را او پدید آورده است و ذات پاک و بی‌همتای اوست که به همه موجودات زنده با این نظام و این واسطه‌ها روزی می‌دهد.

وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَهُ مَيِّتًا

و با این قطره‌های زندگی ساز باران، زمین پژمرده و افسرده و مرده و خشک و قحطی زده‌ای را که در آن هیچ گل و گیاهی نیست، زندگی بخشیدیم و همه چیز در آن رویانیدیم.

كَذَلِكَ الْخُرُوجُ

آری، زنده شدن مردگان و بیرون آمدن آنان از دل خاک نیز در آستانه رستاخیز همین گونه است؛ چرا که وقتی قدرت بی کرانی بتواند یکی از دو کار را انجام دهد،

﴿ (۲۳) ﴾

انجام دیگری برای او آسان است؛ اما از آن جایی که مردم زنده شدن زمین را در هر بهار به چشم خود دیده و سربر آوردن گل‌ها و گیاهان از دل آن و رویدن دانه‌ها را تماشا کرده‌اند، برایشان عادی و طبیعی جلوه می‌کند و در این کار شگفت نمی‌اندیشند و کسی هم آن را انکار نمی‌کند؛ اما از آن جایی که زنده شدن مردگان را ندیده‌اند، باینکه نظیر زنده شدن زمین و رویدن گل‌ها و دانه‌ها به وسیله باران است، آن را سخنی شگفت‌انگیز می‌پندارند و انکار می‌کنند در حالی که اگر نیک بیندیشند درخواهند یافت که این دو کار شگرف نظیر هم هستند و هر قدرتی که بر انجام یکی از آن دو توانا باشد، بر انجام دیگری نیز تواناست.

از «ابن عباس» در تفسیر آیه آورده‌اند که: در روز رستاخیز نیز همین گونه به وسیله فروریختن باران، مردگان زنده شده و از دل گورها سربر خواهند آورد. (۱)

﴿ (۲۴) ﴾

در آیات چندگانه پیش خدای فرزانه پس از ترسیم شکوه و عظمت قرآن و پیامبر گرامی، به ترسیم پندار شرک‌گرایان پرداخت که زنده شدن مردگان و جهان پس از مرگ را پندار و اندیشه‌ای شگفت‌آور و دور از ذهن عنوان می‌دادند و در آیاتی که از نظران گذشت بر امکان معاد و زنده شدن مردگان استدلال می‌کند. این استدلال بر چند پایه اساسی استوار است:

۱- نخست به آفرینش آسمان‌ها و نظام بهت‌آور آن توجه می‌دهد.

۱. تفسیر ابن عباس، ص ۳۲۵.

﴿ (۲۵) ﴾

۲- آن گاه به آفرینش زمین و گسترش بخشیدن آن که بسان فرشی بی کرانه بر زیر پای انسان‌ها گسترده شده است.

۳- سپس به افکندن کوه‌ها در آن تا آن را کنترل نمایند.

۴- از پی آن به دنیای شگرف گل‌ها و گیاهان و چگونگی رویش دانه‌ها و درختان از زمین خشک و بی آب و مرده توجه می‌دهد، که چگونه دست توانای آفرینش با فرود آمدن باران به زمین مرده شور و حیات می‌بخشد و دنیایی زیبا و تماشایی و تفکرانگیز پدید می‌آورد...

پس از ترسیم دقیق و ظریف این استدلال به انسان روی می‌آورد که: هان ای انسان! اگر نیک بیندیشی پیدایش رستاخیز نه دور از ذهن است و نه ناممکن چرا که هر سال در بهارن طبیعت رستاخیزی را با این شکوه و عظمت تماشا می‌کنی و زمین مرده را در حال تجدید حیات می‌نگری، اگر به این رستاخیز نیک بنگری درخواهی یافت زنده شدن مردگان نیز کاری است شدنی و مردگان نیز به اراده آفریدگار هستی روزی همین گونه از دل خاک سر برمی‌آورند و دگرباره زنده می‌شوند و برای حساب و کتاب و پاداش و کیفر به دادگاه رستاخیز می‌روند! آری، زنده شدن مردگان نیز چیزی بسان زنده شدن زمین مرده و رویدن گل‌ها و گیاهان و دانه‌ها از دل آن است. كَذَلِكَ الْخُرُوجُ. (۱)

(۲۶) (۱)

تصویرسازی زیبای قرآن کریم درباره معاد

خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ. (۲)

در حالی که چشمان آنان [از شدت ترس] فرو افتاده، از گورها سر برون می‌آورند، چنان‌که گویی ملخ‌هایی پراکنده‌اند؛
۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمدیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۲۶ صفحه ۳۲۱ تا ۳۲۶.
۲- ۷ / قمر .

(۲۷) (۱)

أَجْدَاثِ: جمع «جَدَث» به مفهوم گور آمده و «جَدَف» نیز به همین معنا می‌باشد.
در این فراز بدان دلیل از چشم‌ها به فرو افتادگی و خضوع و خشوع وصف می‌گردد، که نشان عزت و سرفرازی و یا ذلت و خواری
انسان را می‌توان در نگاه او دید و دریافت که درون او چه خبر است.

يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ

از گورهای خویش سر بر می‌آورند؛ چنان‌که گویی ملخ‌هایی که پراکنده‌اند، بدون هدف به هر سو می‌دوند.
به بیان روشن‌تر منظور آیه این است که: آنان در روز رستاخیز در حالی که چشم‌هایشان از شدت هراس و وحشت رویدادهای
سهمگین رستاخیز فرو افتاده است، از گورهای خویش سر بر می‌آورند و به صورت درهم و برهم و پراکنده و موج‌آسا و بدون
هدف به هر سمت و سو می‌دوند.

(۲۸) (۱)

از آیه شریفه این نکته ظریف دریافت می‌گردد که انگیزش انسان در روز رستاخیز با همین جسم و این پیکر خواهد بود، نه به
صورت انگیزش روح‌ها و جان‌ها؛ چرا که در گورها همین جسم‌ها خفته‌اند و زمانی که قرآن روشنگری می‌کند که آنان ملخ‌وار از
گورهای خویش سر بر می‌آورند، نشان می‌دهد که رستاخیز و معاد جسمانی خواهد بود، نه روحانی. (۱)

پرتوی از شاهکار خدا در آفرینش

«قَتَادَةُ» می‌گوید: آیا ما زمین را برای زندگی شما گسترش نبخشیدیم؟

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمدیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۲۷ صفحه ۱۴۶ تا ۱۴۷.
(۲۹) (۱)

وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا (۱)

و کوه‌ها را [بسان] میخ‌هایی [برای زمین نگردانیدیم]؟!
و تَد: این واژه به معنی میخ بسیار سخت آمده است.

وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۲)

و شما را [به صورت] جفت آفریدیم.

و آیا کوه‌های بلند و سر به آسمان کشیده را، بسان میخ‌هایی برای کنترل حرکت و لرزش آن نگردانیدیم؟
ممکن است منظور این باشد که: آیا شما انسان‌ها را به صورت شکل‌های

۱- ۷ / نباء .

۲- ۸ / نباء .

﴿ ۳۰ ﴾

گوناگون نیافریدیم؟ امّا به باور پاره‌ای: ما شما را به صورت نر و ماده و یا مرد و زن آفریدیم تا ضمن بهره‌وری از زندگی و وجود یکدیگر، نسل شما نیز تداوم یابد.

و از دیدگاه برخی دیگر منظور این است که: ما شما را به صورت سیاه و سفید و کوچک و بزرگ و زرد و سرخ و گوناگون آفریدیم.

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتاً (۱)

و خوابتان را [مایه] آسایش [و آرامش] گردانیدیم.

سُبات: این واژه از ریشه «سَبَتَ» در اصل به معنی قطع نمودن آمده، و به همین تناسب در تعطیل ساختن کار و تلاش برای آسایش و استراحت به کار می‌رود. و نامگذاری روز شنبه به عنوان «يَوْمُ السَّبْتِ» در میان یهود - برای تعطیل ساختن تلاش و کار روزانه - از همین ریشه است. در تفسیر این آیه آن دیدگاه‌ها متفاوت است:

۱- ۹ / نباء .

﴿ ۳۱ ﴾

۱- به باور پاره‌ای منظور این است که: ما خواب را مایه آسایش بدن و آرامش خاطر شما قرار دادیم.

۲- امّا به باور «ابن انباری» منظور این است که: ما خواب را وسیله وانهادن کار و تلاش برای استراحت گردانیدیم.

۳- و از دیدگاه برخی ما خواب را برایتان حالتی میان مرگ و زندگی قرار دادیم.

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاساً (۱)

و شب را [برایتان] پوششی ساختیم.

و شب را پرده و پوششی قرار دادیم که با سایه گستر شدن خود همه چیز را فرامی‌گیرد و در آرامش فرو می‌برد.

۱- ۱۰ / نباء .

﴿ ۳۲ ﴾

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعاشاً (۱)

و روز را برای گذران [و اداره] زندگی قرار دادیم.

و موهبت «روز» را برای گذران و اداره زندگی و فراهم آوردن امکانات و وسایل مورد نیاز برای ادامه حیات آفریدیم.

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعاً شِدَاداً (۲)

و بر فراز [سر] شما هفت آسمان استوار بنا نمودیم.

وَجَعَلْنَا سِرَاجاً وَهَاجاً (۳)

و چراغی درخشان پدید آوردیم.

وَهَاج: از ریشه «وَهَجَ» به معنی روشنایی و شعله و حرارت آتش و آفتاب می‌باشد که از فاصله‌ای دور هویداست (۱).

۱- ۱۱ / نباء .

۲- ۱۲ / نباء .

۳- ۱۳ / نباء .

﴿ ۳۳ ﴾

«مُقَاتِل» می‌گوید: خورشید را پدید آورنده هستی به صورت کانونی از نور و حرارت آفریده است؛ چرا که واژه «وَهَج» به معنی نور و حرارتی است که از آتش برافروخته زبانه می‌کشد.

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تَبَّجَاً (۲)

و از ابرهای باران‌زا، آبی ریزان فرود آوردیم؛

پندار شرک‌گرایان درباره معاد و روشنگری قرآن

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا

۱- مفردات راغب؛ لسان العرب، واژه «وَهَج».

۲- ۱۴ / نباء .

﴿۳۴﴾

يَعْرُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۱)

و آنان که کفر ورزیدند، گفتند: رستاخیز بر ما فرا نخواهد رسید! [هان ای پیامبر! به آنان [بگو: چرا، بی گمان بر شما خواهد آمد به پروردگرم سوگند، [آن] دانای نهان که هموزن ذره‌ای، نه در [کران تا کران] آسمانها و نه در زمین از او دور [و پوشیده] نمی‌ماند؛ و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر از آن نیست جز اینکه در کتابی روشن به ثبت رسیده است.

در آیه مورد بحث در اشاره به پندار شرک‌گرایان و ظالمان درباره رستاخیز و جهان پس از مرگ می‌فرماید:

۱- ۳ / سَبَأ .

﴿۳۵﴾

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ

و کفرگرایان گفتند: رستاخیزی در کار نیست و چنین روز و ساعتی برای ما نخواهد آمد!

قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ

هان ای پیامبر! بگو: چرا، به پروردگرم سوگند رستاخیز برای شما نیز خواهد آمد.

عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْرُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ

او دانای نهان است و آنچه را همه نمی‌دانند و دانش آنها بر همگان پوشیده است، برای او آشکار است، به گونه‌ای که به اندازه سنگینی ذره‌ای در آسمانها و زمین از قلمرو دانش بی‌کران او دور و پوشیده نمی‌ماند و او از کران تا کران هستی آگاه و به ناچیزترین ذرات آفرینش داناست.

وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

﴿۳۶﴾

و کوچکتر و بزرگتر از هموزن ذره‌ای در آسمانها و زمین نیست جز اینکه همه آنها در کتابی روشن و روشنگر به ثبت رسیده است. منظور از این کتاب شگفت‌آور، لوح محفوظ است که در تفسیر سوره یونس در مورد آن روشنگری گـردید.

با این بیان آفریدگار هستی پندار کفرگرایانی را که فرارسیدن رستاخیز و روز کیفر و پاداش را انکار می‌کردند، مردود اعلام داشته و روشنگری می‌کند که روز رستاخیز در پیش است؛ و به پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمان رسید که برای تأکید مطلب سوگند یاد کند؛ و از پی آن از دانش بی‌کران خویش سخن به میان آورد و روشن ساخت که ذات پاک او از گذشته و آینده آگاه است و

چیزی در کران تا کران آسمانها و زمین و یا

(۳۷) (۱)

عملکرد بندگان بر او پوشیده نمی‌ماند. (۱)

چرا انکار معاد؟

أَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (۲)

پس آیا به آسمان فراز سرشان ننگریسته‌اند که ما چگونه آن را ساخته و آراسته‌اش

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمدبیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۲۲ صفحه ۱۳۵ تا ۱۳۷ .
۲- ۶ / ق .

(۳۸) (۱)

کرده‌ایم و در آن هیچ گونه شکافتگی [و گسستگی] نیست؟!

«فُرُوج»: سوراخ‌ها و شکاف‌ها.

تفکر برانگیزترین دلیل در امکان معاد

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ. (۱)

بگو: پروردگرم به داد گری [در همه میدانها و شرایط] فرمان داده است، و [نیز خواسته است که] در کنار هر سجده‌گاهی [که برای نماز برمی‌گزینید] با همه وجود به سوی او روی آورید و در حالی که دین خویشتن را برای او [پاک و] خالص می‌سازید وی را بخوانید. همانگونه که شما را پدید آورد [به سوی او] باز خواهید گشت.

در فراز پایانی آیه شریفه زیباترین و کوتاه‌ترین استدلال برای تردید ناپذیر بودن رستاخیز و آفرینش دگرباره انسانها را ترسیم می‌کند و می‌فرماید: همانگونه که پدید آورنده هستی شما را پدید آورد، دگرباره به سوی او باز خواهید گشت.
كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.

۱- ۲۹ / اعراف .

(۳۹) (۱)

در مورد پیوند این فراز به دیگر فرازهای آیه شریفه یا آیات گذشته دیدگاه‌هایی ارائه شده است:

۱- به باور برخی منظور این است که پروردگار خویش را از روی اخلاص بخوانید و بپرستید؛ چرا که سرانجام به سوی او باز می‌گردید و پاداش خود را دریافت می‌دارید. اگر براستی دریافت این حقیقت برایتان دشوار است، به آغاز آفرینش و پیدایش خود بنگرید و بدانید که همان گونه که آفریدگار هستی شما را از نیستی به هستی آورد، دگر باره پس از مرگ و خاک شدنتان، به کالبد خاکی شما حیات بخشیده و با آفرینشی تازه شما را بر می‌انگیزد.

۲- اما به باور «زجاج» این فراز از آیه شریفه، به آیه ۲۵ همین سوره پیوند می‌خورد (۱) و منظور این است که آفریدگار هستی پس از مرگ و پایان زندگی شما در این سرا، بار دیگر شما را برای روز رستاخیز از دل خاک بیرون می‌آورد و زندگی می‌بخشد؛ چرا که زنده ساختن دگر باره شما، برای او دشوارتر از آفرینش نخستین شما نیست. و بدین سان برای شرک‌گرایانی که روز رستاخیز را انکار می‌کردند و آن را دشوار و یا ناممکن می‌پنداشتند استدلال می‌کند که این برای آفریدگار هستی آسان است.

(۴۰) (۱)

۳- از دیدگاه «ابو مسلم» این فراز از آیه پیوندی به گذشته ندارد و خود نکته‌ای جداگانه است و این پیام را می‌دهد که هان ای

بندگان خدا به هوش باشید که خدا همان گونه که همه شما انسانها را از خاک آفرید، بار دیگر به خاک بر می‌گردید. این آیه، درست بسان آن آیه است که می‌فرماید: ما شما را از خاک آفریدیم و شما را به خاک باز می‌گردانیم و دگر باره شما را از خاک بیرون خواهیم آورد: مِنْهُمْ خَلَقْنَاكُمْ... (۱)

۱ - فِيهَا تَخْيُونَ...

(۴۱) (۱)

۴ - و از دیدگاه برخی نیز منظور این است که همان گونه که در آفرینش نخستین برهنه دیده به جهان گشودید و هیچ نداشتید، در روز رستاخیز نیز همان گونه برانگیخته می‌شوید.

از پیامبر گرامی در این مورد آورده‌اند که فرمود: تَحْشُرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عُرَاءَ حُفَاءَ غُيْرَا. (۲) در روز رستاخیز پابرنه، عربان و بدون پوشش برانگیخته خواهید شد.

۱ - ۵۵ / طه .

۲ - صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۱۹۴ کتاب الْجَنَّة؛ ترمذی، ج ۴، ص ۶۱۵-۶۱۶.

(۴۲) (۱)

قرآن در آیه دیگری در مورد آفرینش دگر باره انسان می‌فرماید: همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم، دگر باره آن را باز می‌گردانیدیم... کَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ... (۱)

۵ - و پاره‌ای نیز بر آنند که منظور آیه شریفه این است که همان طوری که جهان را بدرود گفته‌اید، دگر باره برانگیخته می‌شوید: انسان با ایمان با همان باور و عملکردش و مشرک و بیدادگر نیز با همان اعتقادش. (۲)

۱ - ۱۰۴ / انبیاء .

۲ - تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمد بیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۸ صفحه ۲۳۸ تا ۲۴۳ .

(۴۳) (۱)

مردگان را این گونه زنده می‌سازیم

پس از ترسیم آفرینش آسمانها و زمین و پدید آوردن نظام شگرف آنها در دو آیه پیش، اینک قرآن دیگر شگفتی‌های جهان هستی و قدرت بی‌کران پدید آورنده آنها را بیان می‌فرماید:

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ

و او کسی است که بادهای پیشاپیش باران رحمت خود به عنوان نوید رسان می‌فرستد، تا با این بادهای برخاسته از دریاها و اقیانوسها زمین مرده را زنده سازد، و تا آنها با بشارت به آمدن باران، برای مردم نویدی شادی بخش بیاورند.

حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ

تا آنگاه که بادهای گرانبار و آکنده از آب را بردارند، ما آنها را به سوی سرزمینی که از شدت خشکی و بی‌آبی و فقدان گل و گیاه، مرده است، به حرکت

(۴۴) (۱)

می‌آوریم. و بدین سان با گرد آمدن ابرهای پراکنده از نقاط مختلف در یک نقطه به وسیله بادهای ریزش باران آغاز می‌گردد.

فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ

پس به وسیله این ابرهای گرانبار، باران‌های زندگی ساز بر سرزمین‌های مرده می‌بارانیم و میوه‌ها و دانه‌های گوناگون را به وسیله آن آب‌های آسمانی از دل خاک تیره بر می‌آوریم.

كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.

آری همان گونه که گیاهان و درختان را از خاک تیره می‌رویانیم و بر می‌آوریم، مردگان را نیز در آستانه رستاخیز از دل زمین بیرون آورده و به آنها زندگی دیگری می‌بخشیم، باشد که شما به خود آید و بیندیشید و عبرت گیرید و در یابید که آن قدرت بی‌همانندی که بر رویانیدن گلها و گیاهان رنگارنگ و بر پدید آوردن درختان و میوه‌های گوناگون از خاک تیره تواناست، همو می‌تواند مردم را پس از مرگ، دگرباره در آستانه رستاخیز زنده سازد.

﴿ (۴۵) ﴾

«بَلْخَى» با استدلال به این آیه مبارکه می‌گوید: بسیاری از رویدادها و پدیده‌ها به واسطه دیگر پدیده‌ها و وسایل و اسبابی که آفریدگار هستی قرار داده است، پدیدار می‌گردند. برای نمونه: گیاه با کمک آب و به وسیله ریزش باران و مساعد شدن زمین می‌روید. با این بیان پاره‌ای از پدیده‌ها را آفریدگار هستی بدون هیچ واسطه‌ای پدید آورده است و پاره‌ای را با واسطه و وسیله دیگری. و این سخن هیچ ناهماهنگی و ناسازگاری با یکتاگرایی ندارد، و شرک و انحراف آنجا پدید می‌آید که کسی این ابزارها و وسایل طبیعی را پدیده و آفریده شده نداند و آنها را قدیم پندارد؛ در آن صورت است که برای یکتا آفریدگار هستی هم‌تا پنداشته است.

این دیدگاه را گروهی نمی‌پسندند و بر این باورند که این درست است که خدا به طور طبیعی گیاه و دانه را به وسیله باران می‌رویاند، اما این بدان معنی نیست که جز به این شیوه ممکن نیست، بلکه او توانایی آن را دارد که اگر خواست و مصلحت دینی و دنیوی ایجاب نمود، آنها را بدون باران برویاند و واسطه‌ای قرار ندهد. (۱)

﴿ (۴۶) ﴾

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ. (۲)

و هر کسی که [در زندگی] ستم کرده است، اگر [تمام] آنچه در زمین است از آن او باشد، بی‌تردید [از هراس روز رستاخیز و کیفر سهمگین آن، همه] آن را برای باز خرید [و نجات] خویش می‌دهد. و هنگامی که عذاب [آن روز را] ببینند، [از

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمد بیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۸ صفحه ۳۰۶ تا ۳۰۸.

۲- ۵۴ / یونس .

﴿ (۴۷) ﴾

عملکرد خود سخت پشیمان می‌شوند [اما پشیمانی خود را نهان می‌دارند و میان آنان براساس عدالت داوری شده و بر آنان ستم نخواهد رفت.

«أَفْتَدَاء»: چیزی به جای رهایی و نجات چیز دیگر قرار دادن.

وحشت و هراس سهمگینی که از دیدن عذاب به بیدادگران و شرک گرایان دست می‌دهد به گونه‌ای است که آنان حاضرند اگر هر کدام تمام ثروتها و امکانات روی زمین را داشته باشند همه را یکجا در برابر رهایی خود بدهند.

«إِنَّ عَبَّاسَ» منظور از «ستم» در آیه شریفه را شرک می‌داند، اما دیگران آن را به بیدادگری و ستم در حق هر کس و هر چیزی معنا کرده‌اند.

وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ

و هنگامی که عذاب را ببینند سخت ندامت زده می‌شوند، اما پشیمانی خود را نهان می‌سازند.

(۴۸) ﴿﴾

به باور پاره‌ای منظور این است که سردمداران و رهبران شرک و استبداد پشیمانی خویشان را از دنبال روان خود پنهان می‌سازند.

پاره‌ای همچون «جُبائی» و «ابوعُبَیْدَه» بر آنند که: و چون عذاب سهمگین را بنگرند، پشیمانی خود را آشکار می‌سازند. اَمَّا اَزْهَرَى می‌گوید این سخن، درست نیست؛ چرا که «اَشْرَار» به مفهوم اظهار و آشکار ساختن نمی‌آید و این واژه «اَشْرَار» است که به مفهوم آشکار ساختن آمده است.

وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ.

آنگاه است که میان آنان به عدل و داد داوری شده و به هیچ یک از آنان در کیفر و مجازات، بیدادی نخواهد رفت؛ چرا که آنان این کیفر دردناک را خود با بداندیشی و عملکرد نادرست خود برای خویشان آماده ساخته‌اند.

از حضرت صادق علیه‌السلام آورده‌اند که: اینان هنگامی که به آتشهای شعله‌ور دوزخ وارد می‌شوند، ندامت عمیق خود را نمان می‌دارند تا از سوی دشمنانشان مورد نکوهش قرار نگیرند. (۱)

(۴۹) ﴿﴾

معاد و قصه اصحاب کُهِف

۲۱. وَ كَذَلِكَ اَعْرَضْنَا عَنْهُمْ لِيُعَلِّمُوا اَنْ وَعَدَ اللّٰهُ حَقًّا وَّ اَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا اِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ اَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْنِهِمْ بُنْيَانًا رَّبُّهُمْ اَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِيْنَ غَلَبُوا عَلٰى اَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا. (۲)

و ما این گونه [مردم شهر و نیز مردم روزگاران را] بر [سرگذشت شگفت‌انگیز

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمدبیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۱۱ صفحه ۱۷۹ تا ۱۸۰.

۲- ۲۱ / کُهِف .

(۵۰) ﴿﴾

[آنان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا [در مورد رستاخیز [حق است و در [فرا رسیدن [رستاخیز هیچ تردیدی نیست، [این آگاهی [آنگاه پدید آمد که آنان میان [جامعه] خود در کارشان [که فرا رسیدن رستاخیز باشد] با یکدیگر ستیزه می‌کردند؛ پس [آن کسانی که رستاخیز را باور نداشتند] می‌گفتند: [بیایید و [بر [در غار [آنان بنایی [برای یادبود [بسازید [تا آرامگاه آنان از دیده‌ها پوشیده بماند [پروردگارشان به حال آنان داناتر است، اما کسانی که [به رستاخیز ایمان داشتند و [بر کار خود چیره شده [و با آگاهی از راز آنان، آن رویداد عجیب را سندی زنده بر امکان رستاخیز می‌دیدند]، گفتند: بی‌گمان ما [برای جاودانه ماندن یاد و نام آنان] بر در غار آنان سجده‌گاهی خواهیم ساخت.

«عَثْر»: از ریشه «اعْثَار» به مفهوم آگاهی بخشیدن و توجه دادن است و «عَاثُور» گودالی است که برای شکار شیرکنده می‌شود.

(۵۱) ﴿﴾

قرآن در ترسیم فراز شگفت‌انگیز دیگری از این داستان تفکرانگیز و الهام بخش می‌فرماید: وَ كَذَلِكَ اَعْرَضْنَا عَنْهُمْ و همان‌سان که آنان را به خوابی چندصد ساله فروبردیم و آنگاه بیدارشان ساختیم، درست همان‌گونه مردم آن سرزمین و دیگر عصرها و نسل‌ها را از سرگذشت بهت‌آور آنان آگاه کردیم .

در چگونگی این رویداد عجیب مفسران آورده‌اند که:

پس از فرار هدفدار و هجرت قهرمانانه آن مردان آگاه و آزادی‌خواه و پناه بردنشان به آن «غار» و آن پناهگاه طبیعی، فرمانروای

بداندیش و ددمنش آن سرزمین دستور داد که تلاشی برای بیرون کشیدن آنان از عمق غار صورت نگیرد بلکه دهانه غار با مصالح ساختمانی مسدود گردد تا مخالفان استبداد در آن زندان طبیعی از گرسنگی و تشنگی جان سپارند و همانجا گورستان آنان گردد...

(۵۲) (۱)

پس از انجام این شقاوت به وسیله گماشتگان ستم و فریب، دو عنصر با ایمان و آزادی‌خواه دیگر، نام و نشان و اندیشه و هدف آنان و بیداد حکومت را بر لوحی نگاشتند و با جاسازی آن در صندوقی از «مس» و قرار دادن آن در تابوتی از فلز ماندنی، آن را در دیوار دهانه غار نهان کردند، بدان امید که در نسل‌های آینده مردمی توحیدگرا و آزادی‌خواه با درآوردن و خواندن آن سنگ‌نوشته‌ها از سرگذشت آزاد مردان روزگار آنان آگاه گردند.

از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن!

راستی زندگی همواره در حال دگرگونی است و جز ذات پاک و بی‌زوال خدا چیزی ماندگار نیست. استبداد زمان اصحاب کَهِف و جامعه آنان نیز به پایان عمر خود رسیدند و رفتند... و پس از «دقیانوس» فرمانروای درست‌اندیش و شایسته‌کرداری

(۵۳) (۱)

به نام «ندلیس» زمام امور آن سرزمین را به کف گرفت در عصر او آزادی اندیشه و عقیده محترم شمرده شد و مردم آزادانه گروهی راه توحید و تقوا و ایمان به خدا و روز رستاخیز را گام سپردند و دسته‌ای نیز راه شرک را و در نتیجه رستاخیز را مورد تردید قرار دادند.

آن مرد درست‌اندیش از این کشمکش بیهوده فکری آزرده خاطر شد و عاجزانه رو به بارگاه خدا کرد که: پروردگارا! تو بر کشمکش این مردم در مورد رستاخیز گواهی، به شکوه و معنویت خودت سوگند که دلیلی روشن و روشنگر برای اینان پدیدار ساز و برهانی گویا بفرست تا دریابند که رستاخیز حق و فرارسیدنی است و هیچ تردیدی در آن راه ندارد.

(۵۴) (۱)

و آنگاه...

و آنگاه بود که خدای پرمهر به قلب یکی از مردم آن روزگاران و آن سرزمین الهام فرمود که دیوار آن غار را بردارد و با گشودن دهانه آن برای گوسفندان خویش جایگاهی برای استراحت صحرائی فراهم آورد و درست با تخریب دهانه غار، آن خفتگان چند صد ساله نیز از خواب شیرین بیدار شدند و با احساس گرسنگی، یکی را برای فراهم آوردن غذا به سوی شهر گسیل داشتند. پس از این رویداد شگفت بود که مردم شهر از حال و روز «اصحاب کَهِف» آگاهی یافتند و شاه را در جریان قرار دادند تا هر چه سریعتر به سوی آن غار برود و نمونه‌ای از دلایل روشن و روشنگر خدا، در زنده شدن مردگان و بیدار شدن خفتگان چند ساله را نظاره کند.

او با دریافت خبر آن رویداد شگرف خدای را سپاس گفت و به همراه مردم به سوی غار رهسپار گردید.

(۵۵) (۱)

آیه شریفه در ترسیم هدف این رویداد تفکرانگیز می‌فرماید:

لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

ما این گونه مردم را از حال آنان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا حق است.

وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

و در فرا رسیدن رستاخیز هیچ تردیدی نیست.

آری، شاه و مردم آن سرزمین از این رویداد عجیب آگاه شدند و ثمره آن این بود که آنان دریافتند که وعده خدا در مورد فرارسیدن رستاخیز و زنده شدن مردگان برای حساب و کتاب و پاداش و کیفر تردیدناپذیر است، چرا که وقتی قدرتی بتواند گروهی را صدها سال به خواب عمیق فرو برد و در آن حال زنده نگاه دارد و پس از آن خواب شگفت و چند صد ساله بیدار کند، چرا نتواند جان آنان را برگیرد و آنگاه

(۵۶) ﴿﴾

آنان را در آستانه رستاخیز زنده سازد؟

أَذِيتَنَّا زُعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ

و ما این برنامه آموزنده را هنگامی پیاده ساختیم و این دلیل روشن و روشنگر را روزگاری پدید آوردیم که مردم آن زمان در مورد زنده شدن مردگان و فرارسیدن رستاخیز با هم کشمکش داشتند.

سه دیدگاه

آنان در این مورد به سه گروه تقسیم می‌شدند:

۱- گروهی رستاخیز و زنده شدن مردگان را نمی‌پذیرفتند و آن را ممکن نمی‌پنداشتند.

۲- گروه دیگری بر این باور بود که رستاخیز فرا می‌رسد و این وعده خداست،

(۵۷) ﴿﴾

امّا روح و جان انسان‌ها در روز رستاخیز محشور می‌گردند و بس، چرا که جسم آنان متلاشی شده است و روح ماندگار است.

۳- اما گروهی دیگر بر این باور پای می‌فشرده که در آستانه رستاخیز خدای توانا مردگان را زنده می‌سازد و مردم با جسم و جان و کالبد و روان به صحرای محشر می‌روند.

به باور «ابن عباس» منظور از این کشمکش نه اختلاف در مورد رستاخیز، بلکه در مورد اصحاب کُهف است، چرا که شاه و مردم پس از آگاهی از جریان شگفت‌انگیز آنان، در مورد مدت طولانی خوابشان و نیز، در مورد شمار آنان و چگونگی گرامیداشت یاد و نامشان و همچنین در مورد پناهگاهشان دستخوش بحث و گفتگو شدند، چرا که پس از ورود شاه و مردم به آن غار و اطراف آن و آغاز پرس‌وجو از آنان، به حکمت خدا آنان روی زمین دراز کشیدند و جهان را به درود گفتند.

(۵۸) ﴿﴾

و شاه و مردم با پیکر سرد و بی‌جان آنان روبه‌رو شدند.

شاه گفت: راستی که رویداد شگفتی است! اینک چه باید کرد؟ برخی گفتند: باید بنای یادبودی بر سر آنان بنیاد کنیم تا سرگذشت شگفت‌انگیز آنان همواره الهام بخش عصرها و نسل‌ها باشد.

اما پاره‌ای بر آن بودند که به جای ساختن آرامگاه و مقبره برای آنان در آستانه غار مسجد و معبدی ساخته شود تا پرستشگاه یکتاپرستان گردد.

و این بحث و گفتگو پس از مرگ آنان پیش آمد.

فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا

گروه شرک گرا پیشنهاد کرد که: در برابر غار و پناهگاه آنان بنایی برپا دارید و آنان را رها کنید تا از چشم‌انداز مردم نهران شوند و گفتگوها در مورد آنان فروکش کند.

رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ

﴿۵۹﴾

چرا که خدا در مورد مدت خواب، چگونگی بیداری، هدف از این رویداد و دیگر پرسش‌هایی که در این سرگذشت شگفت‌انگیز مطرح است، داناتر و آگاه‌تر است.

به باور پاره‌ای این فراز ادامه گفتار شرک‌گرایان نیست، بلکه گفتار پروردگار است و روشنگری می‌کند که: پروردگارشان به حال آنان و اختلاف مردم در مورد پرسش‌هایی که در مورد آنان مطرح شده، داناتر است.

اما به باور پاره‌ای دیگر، منظور این است که خدا بهتر می‌داند که آنان زنده هستند و دگرباره به خواب رفته‌اند، یا جهان را به درود گفته‌اند. چرا که برخی بر این باورند که اصحاب کَهِف جهان را - پس از بیداری - به درود گفتند و پاره‌ای بر این عقیده‌اند که تا روز رستاخیز در خواب عمیق و طولانی هستند.

قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا.

﴿۶۰﴾

فرمانروای باایمان آن سرزمین و انبوهی از یاران و دوستان و طرفدارانش گفتند: در اینجا مسجدی بنیاد می‌کنیم تا پرستشگاه مردم توحید‌گرا باشد و مردم از یاد و نام اصحاب کَهِف تا قیامت الهام گیرند و خدای یکتا را بپرستند و به ارزش‌های خداپسندانه آراسته شوند و درون جان را پالایش و صفا بخشند...

به باور پاره‌ای، آنان دوستان و یاران «اصحاب کَهِف» بودند که این طرح را پیشنهاد دادند.

و به باور پاره‌ای دیگر، بزرگان آن شهر و آن سرزمین این ایده را طرح کردند.

«حَسَن» در تفسیر آیه می‌گوید: منظور این است که آنان گفتند: در اینجا پرستشگاهی بسازیم تا هرگاه آنان از خواب گران خویشتن برخاستند، در آن نماز بخوانند...

و در روایت آمده است که: وقتی فرستاده آن جوانان پرشور و باایمان که برای

﴿۶۱﴾

آوردن مواد غذایی رفته بود، از شهر بازگشت و دوستانش را از مدت خوابشان آگاه ساخت آنان از خدا خواستند که از سر مهر آنان را به حال اول بازگرداند و اینجا بود که خدا، آنان را به حال نخستین باز گردانید و میان آنان و مردم شهر فاصله افکند، به گونه‌ای که آنان نتوانستند به درون غار راه یابند. (۱)

معاد در عالم جنین

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لُبِّينَ لَكُمْ وَ نَقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمدبیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۱۵ صفحه ۳۲۹ تا ۳۳۷.

﴿۶۲﴾

مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ. (۱)

هان ای مردم! اگر در برانگیخته شدن [مردگان] تردیدی دارید، [بدانید که] ما شما را از خاکی [ناچیز و بی مقدار]، آن گاه از نطفه‌ای [بی ارزش]، سپس از خونی بسته و پس از آن از پاره گوشتی، با آفرینشی تمام و [یا] [اتمام آفریدیم تا] بدین وسیله قدرت و دانش وصف ناپذیر خود را [برای شما آشکار سازیم؛ و آنچه را خواهیم، تا سرآمدی معین، در رحم‌ها نگاه می‌داریم؛ آن گاه شما را به صورت کودکی [از شکم مادرانتان] خارج می‌سازیم؛ سپس [شما را می‌پروریم] تا به رشد خود برسید؛ و از

۱- ۵ / حج .

﴿ ۶۳ ﴾

میان شما کسی است که [پیش از رسیدن به مرحله سالخوردگی] [جانش بر گرفته می‌شود؛ و از شما کسی [نیز] هست که به [دوران سالخوردگی و] [پست‌ترین] [مرحله] [زندگی بازگردانیده می‌شود تا پس از دانشی] [که به دست آورده است]، [چیزی نداند و] [نشانه دیگر قدرت ما این است که] [زمین را] [پیش از بارش باران] [بدون] [گل و] [گیاه می‌نگری]، آن گاه چون آب بر آن فرورستادیم، [با رویش گیاهان] [می‌جنبد و برمی‌آید و از هر نوع] [گل و گیاه] [زیبا و] [تفکرانگیز] [می‌رویاند] [و بینندگان را به خود مجذوب می‌سازد].

«مُضَغَه»: پاره‌ای گوشت جویده شده.

«ها مِدَه»: از ریشه «هُمُود» برگرفته شده، از مفهوم خشکیدن و کنده شدن آمده است.

«بَهِيح»: به زیبایی و نیکویی چهره و منظره گفته می‌شود.

از آن جایی که بیشتر کشمکش‌های کفرگرایان در مورد معاد و زنده شدن مردگان

﴿ ۶۴ ﴾

بوده اینک قرآن روی سخن را به مردم به ویژه انکارگران معاد و جهان پس از مرگ نموده و با ترسیم نمونه‌ها و صحنه‌هایی از معاد در همین زندگی دنیا و از راه توجه دادن به دگرگونی‌های دوران جنین و تحولات شگفت‌انگیز زمین به هنگام رویش و رشد گل‌ها و گیاهان، به دلایل معاد در عالم جنین و گیاه پرداخته و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ

هان ای مردم! اگر در مورد در پیش بودن معاد و جهان پس از مرگ در تردید هستید بدانید که ما شما را از خاکی ناچیز آفریده‌ایم.

به بیان دیگر، قرآن روشنگری می‌کند که یکی از دلایل معاد این است که اصل و ریشه و تبار شما انسان‌ها از آدم است و او نیز از مٹی خاک بی مقدار. هنگامی که قدرتی بتواند خاک را به صورت انسانی زنده پدید آورد، چرا نتواند استخوان‌های فرسوده و پوسیده را زنده سازد و مردگان را دگرباره بیافریند؟

﴿ ۶۵ ﴾

در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ

آن گاه فرزندان همان آدم را از نطفه‌ای پدید می‌آوریم که بر اساس تدبیری شگرف در رحم مادران قرار می‌گیرد و بخشی از آن، از آن پدر و بخشی نیز از آن مادر است.

ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ

آن گاه آن نطفه به خواست ما به صورت خون بسته‌ای پدیدار می‌گردد.

ثُمَّ مِّن مُّضَغَةٍ

پس آن خون بسته در مسیر تکامل به صورت پاره گوشت جویده شده‌ای درمی‌آید.

مُخَلَّقَهُ وَغَيْرِ مُخَلَّقِهِ

(۶۶) ﴿﴾

آری، گوشت جویده شده‌ای که آفرینش آن تمام و یا ناتمام و بدون شکل است.

به باور پاره‌ای منظور صورت یافته و یا شکل نیافته است و هنوز دارای خطوط و نقش و نگارها نیست.

لُتَبِّئَنَّ لَكُمْ

همه اینها بدان دلیل است که پرتوی از قدرت و دانش و تدبیر وصف‌ناپذیر خود را در آفرینش انسان بر شما بنمایانیم و نشان دهیم که ما بر هر کاری توانا و آگاهیم.

به باور پاره‌ای منظور این است که: تا بدین وسیله برای شما روشنگری کنیم که هر کس بر آغاز کاری تواناست، به بازگردانیدن و پدید آوردن نمونه‌ای دیگر از آن کار تواناتر است و آن کار برایش آسان می‌باشد.

و به باور پاره‌ای دیگر، تا بدین وسیله چیزی را برایتان بیان کنیم که در مورد پدید آمدن و فرا رسیدن آن در تردید هستید و ما بر آنیم که تردید شما را بزدایم تا

(۶۷) ﴿﴾

فرا رسیدن آن را باور کنید.

وَنُقَرِّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

و در رحم مادران، جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدتی مقرر - که هنگامه به دنیا آمدن نوزاد باشد - قرار می‌دهیم و نگاه می‌داریم.

ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا

آن‌گاه شما را که کودک گشته‌اید، پس از این مراحل گوناگون از رحم مادران بیرون می‌آوریم. یادآوری می‌گردد که واژه «طِفْل» مصدر است که در این جا معنای جمع می‌دهد.

ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ

پس هدف این است که شما به مرحله‌ای از رشد برسید که نیروی جسم و خردتان به کمال نایل آید.

(۶۸) ﴿﴾

و به باور پاره‌ای تا به مرحله بلوغ برسید.

وَمِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَّىٰ

و از شما برخی پیش از رسیدن به مرحله رشد و بلوغ می‌میرند.

وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ

و پاره‌ای به فروترین مرحله پیری می‌رسند.

این مرحله را بدان دلیل فروترین مرحله عمر می‌نامد که انسان در این مرحله دیگر به انتظار مرگ می‌نشیند و دیگر از آمدن سلامت و نشاط و جوانی و شادابی نومید می‌گردد.

لَكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا

تا پس از دانشی که به دست آورده است، چیزی نداند و دانستنی‌های خود را به فراموشی سپارد.

(۶۹) ﴿﴾

«عِكرمه» می‌گوید: کسی که قرآن را با اخلاص و اندیشمندانه بخواند، به این روز نمی‌افتد چرا که قرآن می‌فرماید:

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (۱)

آن‌گاه او را به فروترین و پست‌ترین مراتب بازگردانیدیم، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند که پاداشی بی‌منت خواهند داشت.

دلایل معاد در عالم گیاه

و در ترسیم صحنه‌ای از معاد در عالم گیاه و تحولات تفکرانگیز زمین به هنگام رویش گلها و گیاهان که دلیل دیگری بر امکان معاد و فرارسیدن رستاخیز است می‌فرماید:

۱. ۵ و ۶ / تین .

(۷۰) ﴿﴾

و تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ

و تو ای انسان زمین را در مرحله‌ای خشک و بی‌گیاه می‌نگری، اما هنگامی که باران در آن می‌بارانیم و آبی از آسمان بر آن فرو می‌فرستیم، با رویش گیاهان و گل‌ها به جنب و جوش می‌آید و نشاط و شادابی و تحرک و زندگی به آن باز می‌گردد.

وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

و از انواع گیاهان زیبا و تفکرانگیز و شادی‌بخش می‌رویانند و منظره دلپذیری پیدا می‌کند. (۱)

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمدیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۱۷ صفحه ۱۹۸ تا ۲۰۴ .

(۷۱) ﴿﴾

معاد و دو پرشی تفکرانگیز و هدایت‌بخش

أَوْ لَمْ يَنْفَكُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمِمَّا بَيْنَهُنَّ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (۱)

[آیا به نظام شگفت‌انگیز آفرینش ننگریسته] و آیا به خود نیندیشیده‌اند که خدا آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است. جز بر [اساس] حق و [برای] سرآمدی معین نیافریده است؟ بی‌گمان بسیاری از مردم دیدار پروردگارش را ناباورند!

أَجَلٍ مُّسَمًّى: سرآمد و سررسید مقرر و معلوم.

قرآن بدان جهت این تعبیر را به کار می‌برد که انسان آن‌گاه که با خویشتن خلوت می‌کند و به ژرفای جان و اعماق روح و گستره قلب خویش باز می‌گردد، بهتر و بیشتر

۱- ۸ / روم .

(۷۲) ﴿﴾

می‌تواند خرد خود را به کار گیرد و شایسته‌تر و ظریف‌تر بیندیشد و دقیق‌تر بیابد.

اینک جای طرح این پرسش است که انسان خردمند و خردورز، چگونه در پرتو اندیشه می‌تواند به این حقیقت ظریف برسد و دریابد که آفریدگار هستی همه پدیده‌ها را براساس حق آفرید؟

و نیز این انسان چگونه می‌تواند از این راه به فرا رسیدن روز رستاخیز و تردیدناپذیر بودن جهان پس از مرگ پی‌برد و به آن یقین پیدا کند؟

در پاسخ باید گفت:

واقعیت این است که انسان هنگامی که به آفرینش شگفت‌انگیز و سیما و سیرت متناسب و پرشکوه و زیبای خویش بنگرد و در این مورد نیک بیندیشد، در خواهد یافت که پدیده و حادث است و قدرتی دانا و توانا و فرزانه او را پدید آورده است؛ قدرتی که پاینده و برپادارنده و زنده و جاوید است و به تمام رموز و اسرار آفرینش و نظام شگفت‌انگیزش آگاه است و هموست که انسان را با همه ابعاد و ویژگی‌هایش براساس هدف و حکمت آفریده و در کار او بیهودگی و بی‌هدفی وجود ندارد؛ و درست از این راه است که به سرچشمه هستی می‌رسد و به او ایمان می‌آورد.

(۷۳) (۱)

از دگر سو هنگامی که نیک بیندیشد، در می‌یابد که چنین هدفداری و حکمتی چنین اقتضا می‌کند که روزی به نیک اندیشی‌ها و کارهای شایسته انسان پاداشی درخور و به بدکرداریها و بیدادگریهایش کیفر عادلانه داده شود؛ و این نیز در گرو آمدن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و آوردن برنامه‌های آسمانی و دینی تا به انسان هشدار دهد که در برابر هر کار ناپسند کیفری خواهد چشید و پاداش هر کار شایسته‌اش را در دنیا و آخرت دریافت خواهد داشت و بدین‌سان انسان در پرتو اندیشه به معاد رسالت و وحی ایمان می‌آورد.

و نیز با ژرف نگری و اندیشه پویا و بالنده در می‌یابد که آفرینش هستی و پدید آوردن پدیده‌ها و انسان، برای پدید آوردن هستی سودی ندارد، از این رو به این نکته دقیق و دگرگون‌ساز می‌رسد که هدف از آفرینش سود ببری و بهره‌مند شدن و برخوردار گردیدن خود پدیده‌ها و انسان و رشد و کمال اوست.

(۷۴) (۱)

در آخرین جمله آیه شریفه می‌فرماید:

وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ

و بی‌گمان بسیاری از مردم، به فرارسیدن روز رستاخیز و پاداش و کیفر پروردگارشان در آن روز ناباورند و با خیره‌سری بسیار آن را انکار می‌کنند. (۱)

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمد بیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۲۱ صفحه ۶۲ تا ۶۵.

(۷۵) (۱)

دلایل معاد

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ. (۱)

ما شما را آفریدیم، پس چرا [اینک رستاخیز و آفرینش دگرباره را] باور نمی‌دارید؟

حکم پدیده‌های همانند یکسان است

ما هستیم که شما را برای نخستین بار و آن گاه که هیچ چیزی نبودید، آفریدیم و شما در حالی که این واقعیت را می‌دانید، چرا آفرینش دگرباره در آستانه رستاخیز را گواهی نمی‌کنید؟ مگر نه این است که وقتی کسی توانست چیزی را پدید آورد و بیافریند، قدرت تکرار آن را نیز دارد؟ و مگر حکم پدیده‌های همانند یکسان نیست؟

۱- ۵۷ / واقعه .

(۷۶) (۱)

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ. (۱)

پس به من خبر دهید که آنچه را [در قرارگاه رحم] می‌ریزد،

أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ. (۲)

[به راستی] آیا شما آن را [به صورت انسان] می‌آفرینید، یا ما [هستیم که] آفریننده‌ایم؟

تُمْنُون: این واژه از ریشه «مَنی» برگرفته شده و در اصل به مفهوم اندازه‌گیری کردن آمده، امّا در آیه، منظور افشانیدن یا ریختن نطفه در قرارگاه رحم است.

۱- ۵۸ / واقعه .

۲- ۵۹ / واقعه .

﴿ (۷۷) ﴾

امکان معاد از طریق اثبات آفرینش نوزاد

آیا شما از نطفه‌ای که در قرارگاه رحم همسر خویش می‌ریزید آگاه هستید؟ و می‌دانید که همین نطفه ناچیز به فرزندی زیبا و دوست داشتنی تبدیل خواهد شد؟

آیا شما از آن نطفه بی‌مقدار کودکی پدید می‌آورید یا ما هستیم که آفریننده‌ایم؟ ما هستیم که در مدّت رشد این نطفه آن را از مراحل گوناگون می‌گذرانیم و پس از آفرینش‌های چندگانه، او را به صورت کودکی تماشایی به دنیای شما می‌فرستیم، یا خود شما؟

هنگامی که بیندیشید و دریابید که شما و دیگران هرگز قدرت این کار را ندارید،

﴿ (۷۸) ﴾

آن گاه در خواهید یافت که آفریدگار این کودکان از این نطفه‌های ناچیز، خدای تواناست. و زمانی که دریافتید که این آفرینش‌های گوناگون و متنوع و مکرر از آن اوست، پس چرا در زنده ساختن مردگان در آستانه رستاخیز به اراده او تردید می‌کنید؟ و این دومین دلیل امکان معاد در این آیات.

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ. (۱)

ما مرگ را میان شما مقدر ساخته‌ایم و ما هرگز درمانده نخواهیم بود،

۱- ۶۰ / واقعه .

﴿ (۷۹) ﴾

امکان معاد از طریق اثبات وفات

ما هستیم که پدیده مرگ را در میان شما مقدر و مقرر ساختیم؛ بر این اساس است که پاره‌ای در دوران کودکی می‌میرند و پاره‌ای در جوانی؛ برخی در میانسالی و برخی دیگر در کهنسالی.

وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

به باور پاره‌ای منظور این است که: و هیچ یک از شما بر آنچه ما مقرر کردیم، بر ما پیشی نجسته است، تا بتواند در عمر خویش و آن مقدار مقرر کم و زیاد نماید.

امّا به باور پاره‌ای دیگر منظور این است که: و ما هرگز درمانده نخواهیم شد. و اگر بخواهیم می‌توانیم عمر جاودانه هم ببخشیم.

﴿ (۸۰) ﴾

عَلَىٰ أَنْ يُبَدَّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ. (۱)

که نظیر شما را جایگزین [شما انسان‌ها] سازیم و شما را در آن [جهانی] که نمی‌دانید، پدید آوریم

هدف از این مقرر ساختن مرگ این است که به تدریج گروهی را ببریم و گروه دیگری را جایگزین آنان سازیم.

وَ نُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ

و شما را در آن جهانی که نمی‌دانید، آفرینش تازه‌ای بخشیم.

با این بیان ما اگر بخواهیم که شما را به صورت میمون و یا خوک پدید آوریم و

۱- ۶۱ / واقعه .

﴿ (۸۱) ﴾

خلقت شما را دگرگون سازیم، نه از این کار ناتوان هستیم و نه کسی می‌تواند بر ما پیشی گیرد؛ چرا که ما هر کاری را اراده کنیم،

بر انجام آن تواناییم و بدانید که پس از مرگتان نیز از سرنوشت شما آگاهیم و روز رستاخیز همه را زندگی خواهیم بخشید.

به باور پاره‌ای، منظور این است که: ما شما را در چهره‌ای که نمی‌دانید، پدید می‌آوریم؛ از این رو انسان‌های باایمان را در

زیباترین چهره می‌آفرینیم و کفرگرایان را در زشت‌ترین چهره.

وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ. (۱)

و شما بی‌گمان از آفرینش نخستین آگاهی یافته‌اید؛ پس چرا پند نمی‌گیرید؟

۱- ۶۲ / واقعه .

﴿ (۸۲) ﴾

بی‌گمان شما از آفرینش نخستین آگاهی دارید و می‌دانید که چگونه خدای توانا و دانا شما را از مراحل گوناگون و حیرت‌انگیز

نُطْفَةٍ، عَلَقَةٍ، مُضْغَةٍ و... عبور داد تا به صورت انسانی کامل و زیبا پدید آورد، با این وصف چرا پند نمی‌پذیرید؟ و از همین راه بر

امکان معاد و زنده شدن دگرباره استدلال نمی‌کنید و راه نمی‌جوید؟

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ. (۱)

پس به من خبر دهید که آنچه را می‌کارید،

أَأَنْتُمْ تَرْزَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ. (۲)

آیا [به راستی] شما آن را می‌رویانید، یا ما [هستیم] که رویاننده‌ایم؟

۱- ۶۳ / واقعه .

۲- ۶۴ / واقعه .

﴿ (۸۳) ﴾

امکان معاد از طریق اثبات حیات در اراضی موات

آیا تاکنون در مورد آنچه از دانه‌ها و بذرها که بر دل زمین می‌افشانید و می‌کارید، اندیشیده‌اید؟

آیا به راستی شما آن‌ها را می‌رویانید و به زراعتی سرسبز و پرطراوت تبدیل می‌سازید، یا ما هستیم که رویاننده آن‌ها

هستیم؟ کدام یک؟

با این بیان آن قدرتی که می‌تواند دانه‌ها را برویاند و از دانه‌ای ناچیز دانه‌های بزرگ و بی‌شمار پدید آورد، آیا همو نمی‌تواند آنچه را

آفریده است دگرباره پدید آورد؟

از پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله آورده‌اند که فرمود:

﴿۸۴﴾

لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ زَرَعْتُ وَ لَيْقُلْ حَرَثْتُ، فَإِنَّ الزَّارِعَ هُوَ اللَّهُ. (۱)

نباید کسی از شما بگوید که من کشت و زراعت نمودم، نه، بلکه باید بگوید: من بذرافشانی کردم و زراعت از سوی اوست، چرا که زارع حقیقی تنها خداست.

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ. (۲)

اگر ما بخواهیم آن راخس و خاشاکی می‌سازیم، آن‌گاه شما شگفت‌زده خواهید گفت:

إِنَّا لَمُعْرَمُونَ. (۳)

به راستی که ما زیان دیده‌ایم،

۱- نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۲۱۸؛ روح البیان، ج ۲۷، ۱۳۵.

۲- ۶۵ / واقعه .

۳- ۶۶ / واقعه .

﴿۸۵﴾

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ. (۱)

[نه،] بلکه ما محروم شده‌ایم!

حُطَام: این واژه از ماده «حَطَم» در اصل به مفهوم شکستن چیزی آمده و در این جا منظور گیاه خشکی است که در تهیه هیچ غذایی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

تَفَكَّهُونَ: از «تَفَكَّهُ» و در اصل به مفهوم خوردن و تناول نمودن و دست‌یافتن به میوه‌های گوناگون برای خوردن آن‌ها آمده است. و «فَكَاهَهُ» نیز از همین باب است و به شوخی و مزاح گفته می‌شود، چرا که بسان میوه برای مجلس‌ها و محفل‌هاست.

مَعْرَم: از ماده «عَرَامت» به مفهوم زیان دیدن است و خود این واژه در مورد

۱- ۶۷ / واقعه .

﴿۸۶﴾

کسی به کار می‌رود که ثروتش بدون عوض از دست رفته باشد. و واژه «عَرَام» به معنای عذاب لازم آمده است.

به باور گروهی منظور این است که: اگر ما بخواهیم این زراعت را به گیاهی خشکیده تبدیل می‌سازیم که در تهیه غذا به کار نیاید.

إِنَّا لَمُعْرَمُونَ

و با همه وجود بگویید: به راستی که ما زیانکار و خسارت دیده‌ایم، چرا که همه سرمایه ما و نیز هزینه‌ای که در این راه کرده بودیم، از دست رفت و چیزی به دست ما نیامد.

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

نه، بلکه ما به کلی محروم شده‌ایم و همه چیز از دست رفته است و دیگر از رزق و روزی بهره‌ای نداریم.

﴿۸۷﴾

این سخنان شما نشانگر آن است که شما زارع حقیقی و رویاننده دانه‌ها نیستید و گرنه به چنین درد و رنج و حرمانی گرفتار نمی‌شدید و همه این قدرت‌نمایی‌ها و شاهکارها از سوی اوست، اینک کسی که دارای چنین قدرتی است آیا از آفرینش

دگر باره انسان‌ها در آستانه رستاخیز ناتوان است؟

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ. (۱)

پس به من خبر دهید، آن آبی که می‌نوشید،

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ. (۲)

۱- ۶۸ / واقعه .

۲- ۶۹ / واقعه .

(۸۸) ﴿﴾

آیا [به راستی] شما آن را از ابرها فرود آورده‌اید یا ما فرود آورنده [آن] هستیم؟

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ. (۱)

اگر بخواهیم آن را شور می‌سازیم؛ پس چرا سپاسگزاری نمی‌نمایید!

امکان معاد از طریق اثبات پیدایش آب

آیا به آن آب گوارا و زندگی‌بخشی که می‌نوشید هیچ فکر کرده‌اید؟ آیا در مورد پیدایش آن اندیشیده‌اید؟

آیا به راستی شما آن آب زلال و گوارا را از آسمان و از دل ابرها فرود می‌آورید؟

۱- ۷۰ / واقعه .

(۸۹) ﴿﴾

یا این ما هستیم که آن را به عنوان نعمتی ارزشمند و نشان مهر و رحمتی از سوی خود بر شما می‌فرستیم؟ راستی کدام

یک؟

سپس می‌فرماید:

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا

اگر بخواهیم همین آب شیرین و گوارا و زندگی‌ساز را شور و تلخ می‌سازیم، آن گاه چه می‌کنید؟

فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ

پس چرا سپاس این نعمت ارجمند و سپاس ارزانی‌دارنده آن را نمی‌گذارید؟ و چرا نمی‌اندیشید که اگر ذات پاک و بی‌همتای او

آن را برای شما نفرستد هیچ کس توانایی این کار را ندارد و همگی از تشنگی نابود می‌شوید؟

(۹۰) ﴿﴾

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ. (۱)

پس به من خبر دهید [به راستی] آن آتشی را که برمی‌افروزید،

أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ. (۲)

آیا شما درخت آن را پدید آورده‌اید یا ما پدید آورنده [آن] هستیم؟

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَ مَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ. (۳)

ما آن را مایه پند [و اندرز] و بهره‌ای برای فرود آمدگان در بیابان قرار دادیم.

نار: از «نور» برگرفته شده و به مفهوم آتش آمده است.

تُورُونَ: این واژه از ریشه «وری» به مفهوم ظاهر شدن آتش به وسیله آتشگیره و یا کبریت آمده است.

۱- ۷۱ / واقعه .

۲- ۷۲ / واقعه .

۳- ۷۳ / واقعه .

﴿ (۹۱) ﴾

مُوقُو: به مفهوم فرود آمدن با قدرت و نیرو در زمینی است که کسی در آنجا سکونت ندارد. گفتنی است که این واژه از ماده «قُوْت» به مفهوم «نیرو» و یا «قواء» به مفهوم بیابان خشک و خالی آمده است.

امکان معاد از طریق اثبات پیدایش آتش

آیا فکر کرده‌اید که چگونه این آتش را به سبب کبریت یا آتشگیرانه و یا چیز دیگری برمی‌افروزید؟ و چگونه آتش از دل چوب درختان زبانه می‌کشد؟

آیا به راستی شما درخت آن را رویانیده و آتشی را که از دل آن می‌جهد، پدید آورده‌اید یا ما هستیم که آن را آفریده‌ایم؟!

آیا هیچ انسان خردمند و خردورزی می‌تواند بگوید: این من هستم که درختان و گیاهان را پدید آورده و انرژی و حرارت و آتش را در دل آن‌ها به امانت نهاده‌ام؟

﴿ (۹۲) ﴾

راستی جز ذات بی‌همتای خدا چه کسی می‌تواند چنین نظامی را پدید آورد؟!

در جامعه آن روز عرب برای برافروختن آتش از چوب درختی ویژه به نام «زُند» و نیز دو نوع درخت دیگر به نام «مَرخ» و «عَفار» بهره می‌بردند و آن‌ها را بسان کبریت به هم می‌ساییدند تا جرقه پدیدار گردد، به همین جهت خدا آنان را به این حقیقت توجه می‌دهد و می‌پرسد که: آیا این قدرت بی‌همتایی که آب را فرو می‌فرستد و آتش را در دل درخت و در حقیقت آب ذخیره می‌کند، چنین قدرت بی‌همتای نمی‌تواند در آستانه رستاخیز مردگان را زنده سازد؟! (۱)

۱ از پیامبر گرامی (ص) در تفسیر آیه آورده‌اند که فرمود: نَارُكُمْ هَذِهِ الَّتِي تَقْدُونَ جُزْءًا مِنْ سَائِبِعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ! این آتش سوزان و شعله‌وری که شما در دنیا برمی‌افروزید، تنها بخشی از هفتاد بخش از آتش سوزان و شعله‌ور دوزخ است که برای ظالمان آماده شده است. تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۶۳۹۲؛ روح المعانی، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

﴿ (۹۳) ﴾

در آیه بعد می‌افزاید:

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا

ما این آتشی را که از این درختان بدین وسیله زبانه می‌کشد، وسیله‌ای برای پندآموزی و عبرت‌پذیری قرار دادیم. به باور برخی منظور این است که: ما این آتش را در دل درختان مایه پندپذیری و وسیله تفکر قرار دادیم، تا شما انسان‌ها در مورد آن بیندیشید و دریابید که آن خدای توانایی که می‌تواند آتش را در دل درختان سرسبز و پرآب قرار دهد، همو بر پدید آوردن رستاخیز و زنده ساختن مردگان تواناست.

وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ: و نیز آن را وسیله زندگی برای مسافران قرار دادیم.

به باور گروهی از مفسران پیشین از جمله «ابن عباس» منظور این است که: و نیز

﴿ (۹۴) ﴾

آن را ذخیره و توشه‌ای سودبخش برای کاروانیان و مسافران قرار دادیم تا هنگامی که در یک بیابان بدون آب و گیاه و دیگر امکانات زندگی پیاده شدند، بتوانند آتش برافروزند و غذا بپزند و نور گیرند.

و از دیدگاه گروهی دیگر از جمله «عِزْمَةُ» منظور این است که: ما آن را برای بهره‌وری مسافران و حاضران قرار دادیم تا از آن نور گیرند و غذا بپزند و بدین وسیله خود را گرم کنند.

با این بیان واژه «مُقَوِّی» از واژه‌هایی است که دارای بار و مفهوم متضاد است، چرا که از سویی به مفهوم کسی آمده است که به وسیله ثروت و نعمت توانا و نیرومند شده و از دگرسو به معنای کسی آمده است که همه ثروت و امکانات او از دست رفته و به فقر و فلاکت افتاده و در بیابانی خشک و بی آب و گیاه خاکسترنشین شده است.

﴿ (۹۵) ﴾

از این رو ترجمه این فراز از آیه این است که: ما آن را مایه پند و اندرز و بهره‌ای برای توانگران و نیز برای بینوایان قرار دادیم.

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ. (۱)

پس به نام پروردگار پرشکوهت تسبیح گوی [و ذات بی‌همتای او را بستای].

اینکه که چنین است به نام پروردگار پرشکوهت تسبیح گوی و صفات جمال و جلال او را بر شمار و ذات پاک و بی‌همتای او را از هر نوع عیب و نقص و صفاتی که شرک‌گرایان و اصلاح‌ناپذیران به او نسبت می‌دهند، منزه شمار.

به باور پاره‌ای منظور این است که: خدای یکتا و بی‌همتای خود را بستای و بگو:

۱- ۷۴ / واقعه .

﴿ (۹۶) ﴾

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ.

در روایتی آورده‌اند که پس از فرود این آیه شریفه پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: این آیه را در رکوع نمازتان بخوانید.

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قَالَ: اجْعَلُوهَا فِي رُكُوعِكُمْ. (۱)

دلایل هفتگانه برای امکان معاد (۲)

در آیات ۵۷ تا ۷۴ که ترجمه و تفسیر آن‌ها گذشت، قرآن شریف هفت دلیل

۱- نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۵؛ در المنثور، ج ۶، ص ۱۶۸؛ تفسیر قُرْطُبِي، ج ۸، ص ۲۳۵.

۲- مترجم.

﴿ (۹۷) ﴾

روشن و بسیار اندیشاننده برای امکان معاد و برپایی روز رستاخیز از طریق توجه دادن به قدرت بیکران، حکمت و عدالت خدا به صورت بسیار جالبی به تابلو می‌برد. این دلایل هفتگانه و بسیار اندیشاننده عبارتند از:

۱- از راه توجه دادن به آفرینش مکرر و بیان این واقعیت که: حکم پدیده‌ها و نمونه‌های همانند یکسان است. «حُكْمُ الْأُمْتَالِ وَاحِدٌ» (۱)

۲- از راه توجه دادن به مراحل چندگانه دوران جنین و آفرینش‌های پی‌پایستی از سوی آفریدگار هستی. (۲)

۳- از راه توجه دادن به پدیده مرگ و زندگی و مقدر ساختن آن. (۳)

۱- ۵۳ / واقعه .

۲- ۵۹ و ۵۸ / واقعه .

۳- ۶۱ و ۶۰ / واقعه .

﴿ ۹۸ ﴾

۴- از راه توجه دادن به آفرینش این جهان. (۱)

۵- از راه توجه دادن به آفرینش دانه‌های غذایی و دارویی و آرایشی و گل‌ها و گیاهان. (۲)

۶- از راه توجه دادن به آفرینش نعمت آب و فرود باران. (۳)

۷- از راه توجه دادن به آفرینش آتش در دل درختان سرسبز و پرتراوت که راستی حیرت‌انگیز است. (۴)

هر کدام از این دلایل هفتگانه در خور تعمق و تفکر بسیار است و می‌تواند از

۱- ۶۲ / واقعه .

۲- ۶۷-۶۳ / واقعه .

۳- ۷۰-۶۸ / واقعه .

۴- ۷۳-۷۱ / واقعه .

﴿ ۹۹ ﴾

سویی پایه‌های ایمان را تقویت نموده و انسان را به وعده‌های خدا امید بیشتری بخشد و از دگرسو انسان را به قدرت بی‌کران خدا توجه دهد و او را با این پرسش اساسی روبه‌رو سازد که با این قدرت بی‌کران چرا معاد و فرا رسیدن روز رستاخیز و حساب و کتاب و پاداش و کیفر - که بیانگر عدالت، حکمت، هدفداری و مفهوم‌بخشی زندگی است - در پیش نباشد؟ (۱)

روز آشکار شدن بازندگی و زیان کاری جبران‌ناپذیر

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمد بیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۲۷ صفحه ۲۶۵ تا ۲۷۷ .

﴿ ۱۰۰ ﴾

فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. (۱)

روزی را [به یاد آورید] که [خدا همه] شما را برای [حضور در] روز گردآوری [و گرد آمدن آفریدگان] گرد می‌آورد؛ [آری] آن روز، [روز] [بازندگی و] [زیان است؛ و هر کس به خدا ایمان آورد و کاری شایسته انجام دهد، [ذات بی‌همتای او] بدی‌های او را از وی دور می‌سازد و او را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است، همواره در آن جا جاودانه خواهند بود؛ [و] این است آن کامیابی پرشکوه.

۱- ۹ / تَغَابُن .

﴿ ۱۰۱ ﴾

تَغَابُن: این واژه از ریشه «غَبَن» به مفهوم آشکار شدن زیان و خسران است.

روشن است که منظور از «روز گردآوری بزرگ انسان‌ها» روز رستاخیز همگانی است؛ همان‌روزی که تمامی انسان‌ها از آدم تا آخرین فرزندش برانگیخته خواهند شد.

ذَلِكَ يَوْمِ التَّغَابُنِ

آن روز، روز آشکار شدن زیان و زیان کاری بزرگ و جبران‌ناپذیر است.

آن روز، روزی است که برنده و بازنده، زیان کار و به زمین خورده، سعادت‌مند و تیره‌بخت شناخته شده و صف‌ها مشخص می‌گردد.

واژه «تَغَابُنِ» از باب «تَفَاعُلٍ» است و از ماده «غَبِنَ» برگرفته شده و منظور این است که آن روز روشن می‌گردد که چه کسی در زندگی خیر و نیکی را پیشه ساخته و اینک به پاداش آن نایل آمده و چه کسی بدی و گناه را ترک کرده و از عذاب و کیفر سهمگین قیامت در امان مانده است. و نیز آشکار می‌شود که چه کسی زشتی و اصلاح‌ناپذیری و حق‌ستیزی را پای فشرد و شایسته کرداری و دادگری و کارهای خدایسندانه را وانهاد و اینک گرفتار است.

﴿۱۰۲﴾

ممکن است منظور این باشد که: آن روز روشن می‌شود که انسان باایمان بهره خویش از لذت‌های دنیا را به امید رسیدن به نجات و نیک‌بختی آخرت ترک کرده و در سرای آخرت به پاداش خود رسیده است و احساس می‌کند که برنده است و در برابر آن انسان کفرگرا و گناه‌پیشه است که در زندگی نیکوکاری و بزرگمنشی را وانهاد و به زشتی و ستم روی آورده و آنجا درمی‌یابد که بازنده‌ای تیره‌بخت است.

با این بیان آن روز، روز «غَابِنِ» و «مُعْتَبُونِ» یا برنده و بازنده است و این نام دیگر روز رستاخیز می‌باشد. به باور «مُجَاهِدٌ» و «قَتَادَةُ»، «يَوْمُ التَّغَابُنِ» روزی است که هم بهشتیان احساس باختن و زیان‌دیدگی می‌کنند و هم دوزخیان؛ چرا که آنان درمی‌یابند که اگر کارهای شایسته بیشتری انجام می‌دادند و در دادگستری و بشردوستی و قانون‌گرایی دقت و جهاد بزرگتری می‌کردند، جایگاه والاتری را به دست می‌آوردند و گروه تیره‌بخت نیز با نگاه به هموعان و همدینان خویش در بهشت، با همه وجود احساس زیانکاری می‌کنند که خود را گرفتار آتش و عذاب کرده‌اند.

﴿۱۰۳﴾

از پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله آورده‌اند که در تفسیر آیه فرمود:

مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا أُرِيَ مَقْعِدَهُ مِنَ النَّارِ لَوْ أَسَاءَ لَيُزَادَ سُكْرًا وَمَا مِنْ عَبْدٍ يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا أُرِيَ مَقْعِدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ لَوْ أَحْسَنَ لَيُزَادَ حَسْرَةً. (۱)

۱. تفسیر قُطَيْبِي، ج ۸، ص ۱۳۸.

﴿۱۰۴﴾

هیچ انسان باایمانی وارد بهشت پر نعمت و زیبای خدا نمی‌گردد، جز این که جایگاه خود را در آتش شعله‌ور دوزخ به او نشان می‌دهند، تا دریابد که اگر به گناه و ستم دست می‌یازید، جایش آنجا بود نه بهشت زیبا و پر طراوت و پر نعمت، تا خدای ارزانی‌دارنده نعمت‌ها را بیشتر سپاس گوید. و نیز هیچ انسان کفرگرا و ستمکاری به آتش دوزخ نمی‌افتد، جز این که مکان او را در آنجا به او نشان می‌دهند تا دریابد که اگر به راه حق و عدالت گام سپرده بود، چه موقعیت پرشکوهی داشت تا بردریغ و حسرت او افزون گردد. (۱)

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمدیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۲۸ صفحه ۲۹۳ تا ۲۹۶.

﴿۱۰۵﴾

از آن خبر بزرگ می‌پرسند؟

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

[شرک گرایان و حق ناپذیران] درباره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند؟

در تفسیر آیه آورده‌اند که: پس از بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و تلاوت آیات قرآن به وسیله آن حضرت بر شرک گرایان و دعوت جامعه به توحید گرایایی و یکتاپرستی و ایمان به معاد و جهان پس از مرگ و روز رستاخیز و زنده شدن مردگان، سردمداران کفر و بیداد به شیوه انکار و تعجب به پرسش از یکدیگر پرداختند، و این پرسش را در برابر یکدیگر نهادند که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله چه می‌گوید؟ او، از فرارسیدن کدامین روز و زنده شدن چه کسانی خبر می‌دهد؟ درست در برابر پرسش انکاری آنان بود که این آیات بر قلب پاک آن حضرت فرود آمد.

۱-۱ / نباء .

﴿ (۱۰۶) ﴾

در این مورد «زَجَّاج» می‌گوید: پرسش آغاز سوره به منظور بزرگداشت موضوع است؛ درست بسان این سخن که فردی برای بزرگداشت «زید» می‌پرسد، کدامین زید؟ زید کیست؟

عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (۱)

درباره آن خبر بزرگ؛

نَبَأٌ: این واژه به معنی خبری «مهم» و پرفایده و تکانه‌دهنده - که انسان به آن آگاهی یا شبه آگاهی روشن می‌یابد - آمده است. (۱)

۱-۲ / نباء .

﴿ (۱۰۷) ﴾

در مورد این خبر بزرگ، و منظور از آن، دیدگاه‌ها یکسان نیست:

۱- از دیدگاه برخی منظور از آن خبر بزرگ، قرآن، این کتاب پرشکوه خداست؛ چراکه قرآن از یکتایی خدا و بی‌همتایی او، از رسالت پیامبر، از رواها و نارواها در زندگی، از انگیزش و زنده شدن انسان‌ها در آستانه رستاخیز خبر می‌دهد.

۲- اما از دیدگاه گروهی منظور روز رستاخیز است که قرآن و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرارسیدن آن روز را به مردم خبر می‌دهند.

این دیدگاه را ادامه آیات همین سوره تأیید می‌کند، چرا که می‌فرماید: إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱) به یقین وعده‌گاه ما با شما روز داوری و روز جدایی حق از باطل و نیکان از پلیدان است.

۱- مفردات راغب، واژه «نَبَأٌ».

﴿ (۱۰۸) ﴾

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۲)

[همان خبری] که در مورد آن اختلاف [و کشمکش] دارند.

چرا که پاره‌ای آن را تصدیق می‌کردند و پاره‌ای آن را دروغ می‌شمردند و انکار می‌نمودند.

كَأَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۳)

[نه،] چنان نیست [که انکارگران رستاخیز می‌پندارند]؛ به زودی خواهند دانست!

۱-۱۷ / نباء .

۲-۳ / نباء .

۳-۴ / نباء .

﴿ (۱۰۹) ﴾

نه، این چنین نیست که انکارگران روز رستاخیز می‌گویند و به زودی خواهند دانست که انکار آنان بی‌اساس است و حقیقت برای همگان روشن و آشکار خواهد شد.

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۱)

باز هم نه چنان است، به زودی خواهند دانست!

باز هم این گونه نیست که شرک‌گرایان و حق‌ناپذیران می‌پندارند و انکار می‌کنند. به زودی خواهند دانست؛ چرا که این هشدار است از پی‌هشدار.

به باور «صَحَّاح» منظور این است که: به زودی کفرگرایان ثمره شوم انکارشان را خواهند دید و دانست. و نیز مردم توحیدگرا و شایسته‌کردار به ره‌آورد و نتیجه ایمان و عملکردشان خواهند رسید و خواهند دانست که ایمانشان درست بود.

۱-۵ / نباء .

﴿ (۱۱۰) ﴾

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۱)

آیا زمین را جایگاهی آماده [و مناسب برای زندگی و آسایش انسان‌ها] قرار ندادیم؟!

مهاده: این واژه به معنی مکان آماده و مرتب و سامان یافته، و نیز به مفهوم فراهم آوردن مقدمه و اسباب کار آمده است.

۱-۶ / نباء .

﴿ (۱۱۱) ﴾

چگونگی آفرینش جدید در قیامت

وَإِنْ تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَ إِذَا كُنَّا تُرَابًا أَوْ إِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (۱)

و اگر شگفت‌زده می‌شوی، شگفت‌گفتار آنان است که [در گمراهی شرک و کفر گرفتارند و می‌گویند]: آیا هنگامی که [مردیم و پوسیدیم و] خاک شدیم، به راستی در آفرینش تازه‌ای خواهیم بود؟ [و دگرباره زنده خواهیم شد در] آنان همان کسانی هستند که به پروردگارشان کفر ورزیده‌اند و آنان و [در روز رستاخیز] گردن‌هایشان طوق‌هاست و آنان آتشیان هستند در آن ماندگار خواهند بود.

۱-۵ / رعد .

﴿ (۱۱۲) ﴾

عَجَبٌ وَ تَعْجَبٌ: روی آوردن چیزی به انسان که سبب آن روشن نیست.

أَغْلَالٌ: این واژه جمع «غَلٌّ» به مفهوم طوق است که به وسیله آن دست‌ها را به گردن می‌بندند.

اگر از گفتار کفرگرایان در انکار رستاخیز و نفی زنده شدن مردگان تعجب می‌کنی، با این که آنان به آفرینش نخستین می‌نگرند و به آن اعتراف دارند، این تعجب بجاست؛ چراکه اعتراف به آفرینش نخستین و انکار آفرینش دگرباره شگفت‌انگیز است.

روشن است که تعجب و شگفت‌زدگی در ذات پاک خدا راه ندارد؛ چرا که تعجب هنگامی پدید می‌آید که انسان به راز چیزی

آگاه نباشد و می‌دانیم که خدا از هر چیزی آگاه و به هر چیزی داناست. با این بیان منظور آیه شریفه این است که: اگر می‌خواهی تعجب کنی، از این گفتار کفرگرایان تعجب کن که می‌گویند: آیا هنگامی که مردیم و به خاکی تبدیل شدیم، دگرباره آفرینش جدیدی خواهیم داشت؟ و آن گاه خود پاسخ می‌دادند که: نه، چنین چیزی نشاید!

﴿ (۱۱۳) ﴾

می‌دانیم که نطفه، در عالم رحم به خون بسته تبدیل می‌شود، آن گاه به چیزی بسان گوشت جویده شده و از پی آن به گوشت تبدیل می‌گردد و سرانجام با رشد کامل، به صورت کودکی ولادت می‌یابد. این کودک پس از پشت سر گذاشتن مراحل گوناگون عمر و گاه بی آنکه عمر طبیعی کند، جهان را بدرود می‌گوید و سرانجام به خاک تیره تبدیل می‌شود. آری، خاک ماده نخستین آفرینش انسان است و اگر ممکن باشد که انسانی به خاکی تیره تبدیل گردد چه مانعی دارد که دگرباره از رحم همین زمین و از همین خاک به صورت نخستین خویش برخیزد؟! با این بیان قرآن از تبدیل خاک به انسان در آستانه رستاخیز به آفرینش جدید تعبیر می‌کند.

﴿ (۱۱۴) ﴾

در این مورد که آفریدگار هستی در آستانه رستاخیز چه چیز را از نو می‌آفریند، میان دانشمندان کلام بحث و گفتگوست، ولی مفسر بزرگ قرآن کریم آیه‌الله طبرسی «ره» صاحب تفسیر عظیم مجمع البیان نظر جَبَّائِی مفسر اهل تسنن به شرح زیر را بهتر تشخیص می‌دهد:

لازم نیست بدن انسان از همه ذرات و اجزایی که روزی آن را تشکیل می‌داده است، پدیدار گردد، بلکه همین اندازه کافی است که از مواد و مصالح این جهان درست شود. (۱)

﴿ (۱۱۵) ﴾

۱. چرا که به گواهی دانش جدید، از یک سو اجزای بدن انسان همواره در حال تغییر بوده و در هر ۸ سال همه سلول‌ها مشمول قانون نوسازی آفرینش شده و

سلول‌های جوان تر جایگزین آنها می‌گردد، اما از دگرسو اگر کسی را ۲۰ سال پیش دیده باشیم، اینک با دیدن او تردید به خود راه نمی‌دهیم که وی همان انسان ۲۰ سال پیش است که از نظر ذات تغییر نیافته و تنها از نظر رشد و کمال تغییر یافته. با این بیان می‌توان گفت که جز اجزاء و سلول‌های بدن انسان، حقیقتی هست که در تمام مراحل یکی است و دگرگونی در آن راه ندارد و هویت انسان همان است که «به روح انسانی» تعبیر می‌گردد. نتیجه این که شخصیت انسان به این هویت تغییرناپذیر است و نه به اجزای سلول‌های تغییرپذیر. با این ترتیب چه لزومی دارد که در روز رستاخیز انسان از اجزاء و سلول‌های همین بدن، آن هم از همه اجزاء پدید آورده شود؟ مگر نه این که شخصیت و هویت او به روح انسانی است؟ از آیات و روایات معاد جسمانی نیز فراتر از این دیدگاه که «جَبَّائِی» بر آن است دریافت نمی‌گردد؛ چرا که می‌فرماید: *أُولَئِكَ الَّذِينَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلِيَّانٍ يَخْلُقُ مِثْلَهُمْ... آیا آن کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، توانا نیست که بار دیگر همانند آنها را بیافریند؟! سوره یس، آیه ۸۱.*

﴿ (۱۱۶) ﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ

اینان که زنده شدن مردگان و آفرینش جدید را انکار می‌کنند، همان کسانی هستند که در قدرت و توان او بر آفرینش دگرباره تردید نموده و یا آن را انکار کرده‌اند.

وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ

و بر گردن آنان زنجیرها و غل‌هایی گران است.

به باور پاره‌ای منظور این است که: اینان زنجیرهای کفر بر گردنشان افکنده شده است.
وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

« (۱۱۷) »

و اینان یاران آتش‌اند و در آن ماندگار خواهند بود. (۱)

آیابدن‌ها و استخوان‌های پوسیده دگر بار به پامی خیزند؟

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا. (۲)

و انسان می‌گوید: آیا هنگامی که جهان را بدرود گفتم، راستی [از آرامگاه ابدی خویش] زنده بیرون آورده خواهم شد؟

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمد بیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۱۳ صفحه ۱۷۷ تا ۱۸۰.

۲- ۶۶ / مریم .

« (۱۱۸) »

شأن نزول

۱- در شأن نزول و داستان فرود آیه مورد بحث آورده‌اند که این آیه در باره عنصر شرک‌گرایی به نام «أَبِي بَنِي خَلْفٍ» فرود آمد، چرا که او روزی استخوان پوسیده‌ای را برگرفت و در حالی که آن را میان دو دست فشرد و به صورت گرد و غباری آن را بر باد می‌داد، گفت: هان ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله! تو بر این باوری که خدا ما را پس از مرگ و پوسیده شدن استخوان‌هایمان، در آستانه رستاخیز، زندگی نوینی خواهد بخشید؟!!

ما بر این پنداریم که هرگز چنین چیزی امکان نخواهد داشت و زنده شدنی در کار نخواهد بود. آنجا بود که در پاسخ پندار او این آیات فرود آمد.

۲- و «عطاء» از «ابن عباس» آورده است که شأن نزول آیه همین است، اما در مورد «ولید بن مُغیره» فرود آمد، چرا که او بذر این تردیدها را می‌افشاند و رستاخیز را انکار می‌کرد.

« (۱۱۹) »

دوزخیان تیره‌بخت

در آیات پیش، در مورد نویدها و هشدارها و زنده شدن مردگان در آستانه رستاخیز سخن رفت، اینک در این آیات به ترسیم پندار و گفتار انکارگران رستاخیز پرداخته و با روشن‌ترین سخن به پاسخ آنان می‌پردازد.

در آیه مورد بحث، در مورد تردیدافکنی آنان می‌فرماید:

این انسان کفرگرا می‌گوید: آیا هنگامی که این جهان را بدرود گفتم، دگر باره زنده می‌شوم و سر از خاک برمی‌آورم؟!!

این پرسش، در حقیقت تمسخر است نه سؤال و بدینوسیله زنده شدن مردگان در

« (۱۲۰) »

آستانه رستاخیز را انکار نموده و به باد استهزا می‌گیرد.

أَوَلَا يَذُكُرُ الْإِنْسَانَ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا. (۱)

[آیا او بی آنکه بیندیشد چنین می‌گوید؟] و آیا [این] انسان به خاطر نمی‌آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که هیچ چیزی نبود؟

در آیه مورد بحث، در پاسخ این پندار می‌فرماید:

أَوَلَا يَذُكُرُ الْإِنْسَانَ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ

آیا این انسان نمی‌اندیشد و به یاد نمی‌آورد که ما او را هنگامی که چیزی نبود لباس هستی پوشانیدیم و آفریدیم!

۱- ۶۷ / مریم .

« (۱۲۱) »

اگر در مورد آغاز آفرینش خود می‌اندیشید، در می‌یافت که زنده شدن او برای آن آفریدگار توانایی که او را بی آن که چیزی باشد آفریده است، کاری ناممکن نیست.

به باور پاره‌ای منظور از انسان جنس انسان است که به همه آنان دلالت دارد.

وَلَمْ يَكُ شَيْئًا.

و او آن گاه که پدیدارش ساختیم و آفریدیم، چیزی نبود.

چگونه؟

ما در زندگی خویش حرکت‌ها و توقف‌ها و کارهایی را انجام می‌دهیم و صداهایی را ایجاد می‌کنیم که پس از آن دیگر نمی‌توانیم آنها را برگردانیم. با این وصف چگونه می‌توان از آفرینش نخست، به آفرینش دگرباره در آستانه رستاخیز استدلال کرد؟

« (۱۲۲) »

سه پاسخ

۱- آفریدگار هستی پدیدآورنده پدیده‌ها و اجسام و آفریدگار حیات است و می‌دانیم که این پدیده‌ها پس از مرگ نابود نمی‌شوند؛ از این رو ممکن است خدا در پرتو قدرت خود دگرباره به آنها حیات و زندگی بخشد.

۲- افزون بر آن، همواره آغاز کاری دشوارتر از تکرار آن است و آفرینش دگرباره نیز همین گونه است که از آفرینش نخست آسان‌تر است و بی‌گمان قدرتی که می‌تواند آفرینش نخستین را آغاز نماید، بر آفرینش دگرباره نیز تواناست.

۳- و سرانجام این که خدا از راه آفرینش پدیده‌ها نشان داده است که قدرت چنین کاری را دارد؛ و کسی که دارای چنین توان و قدرتی باشد، هرگز از بازگرداندن جسم‌ها و جان‌ها و آفرینش دگرباره ناتوان نخواهد بود. (۱)

« (۱۲۳) »

معاد تجلی‌گاه ارزش‌های واقعی

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ. (۲)

هنگامی که آن رویداد [سهمگین] روی دهد،

واژه «واقعة» بسان «آزفة» از نام‌های روز رستاخیز است و منظور آیه این است

۱- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمدبیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۱۶ صفحه ۲۰۲ تا ۲۰۵.

۲- ۱ / واقعه .

(۱۲۴) ﴿﴾

که: آن گاه که در آستانه رستاخیز و پیدایش آن، بر «نَفَخَ ه صُور» برای زنده شدن مردگان و شتافتن آنان به صحرای محشر دمیده شده و آن رویداد هراس انگیز روی می‌دهد.

پاره‌ای بر آنند که واژه «واقعه»، اشاره به مجموعه‌ای از رویدادهای تکانه‌دهنده‌ای دارد که در آستانه رستاخیز و پدید آمدن آن رویداد بزرگ رخ می‌دهد و این نامگذاری به دلیل بسیاری رویدادها و یا سختی گرفتاری‌ها و رنج‌هایی است که در آن‌ها نهفته است. و تقدیر آیه این گونه است که: «أُذْکُرُوا إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ» به یاد آورید آن گاه را که آن رویداد تکانه‌دهنده روی می‌دهد. و هدف آیه شریفه روشنگری و بیداری انسان‌ها و توجه دادن به آن روز سرنوشت‌ساز و آماده شدن برای دیدار آن روز است. (۱۲۵) ﴿﴾

لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كاذِبَةٌ. (۱)

در روی دادن آن هیچ گونه دروغی [در کار] نیست.

کاذِبَةٌ: این واژه مصدر است، همانند «عافِيَةٌ» و به مفهوم آن است که روز رستاخیز به گونه‌ای آشکار است که جای گفت و گو و دروغ انگاشتن آن وجود ندارد.

کسی نمی‌تواند آن روز و فرا رسیدنش را، به دلیل آشکار بودن آن دروغ انگارد و نپسندید.

اما به باور پاره‌ای منظور این است که: برای فرارسیدن آن رویداد هیچ مانعی نیست و این موضوع از دیدگاه خرد و قرآن و روایات قطعی است.

۱- ۲ / واقعه .

(۱۲۶) ﴿﴾

خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ. (۱)

[آن رویداد] پایین آورنده [گروهی] و بالا برنده [گروهی دیگر] است.

به باور «ابن عباس» منظور این است که: با آن رویداد بزرگ گروهی از انسان‌ها ذلیل و گروهی سربلند می‌گردند.

اما به باور «حسن» و «جَبَّائِي» منظور این است که: با رخ دادن آن رخداد هولناک، گروه‌هایی به سوی آتش کشیده می‌شوند و گروه‌هایی به سوی بهشت هدایت می‌گردند.

مفهوم روشن‌تر و کامل‌تر این دو تفسیر این است که: روز رستاخیز با رخ گشودنش

۱- ۳ / واقعه .

(۱۲۷) ﴿﴾

گروهی از انسان‌ها را - که عنوان‌های پر زرق و برقی، چون: ریاست، فقاقت، وزارت، و کالت، قضاوت، فرماندهی و نظیر این‌ها را در دنیا یدک کشیده و دست به ستم و شقاوت یازیده‌اند - به ذلت و حقارت و آتش شعله‌ور دوزخ می‌کشد و در برابر آنان ستم‌دیدگان حق‌طلب و آزادمنش و بشردوست - که در فرهنگ آن شقاوت‌پیشگان و اصلاح‌ناپذیران بی‌مقدار محکوم بودند - به عزت و سرفرازی اوج می‌بخشد و به بهشت پر نعمت خدا هدایت می‌کند. (۱)(۲)

۱- به نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۰۴، بنگرید.

۲- تفسیر بیان ۳۰ جلدی، دکتر محمد بیستونی، انتشارات فراهانی، جلد ۲۷ صفحه ۲۳۵ تا ۲۳۷.

(۱۲۸) ﴿﴾

- ۱- بیستونی، محمد، تفسیر جوان (۵ جلدی)، اول، قم، انتشارات بیان جوان .
 - ۲- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر جوان، اول، قم، انتشارات بیان جوان .
 - ۳- بیستونی، محمد، تفسیر بیان (۳۰ جلدی)، اول، تهران، انتشارات فراهانی .
 - ۴- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر بیان، اول، تهران، انتشارات فراهانی .
 - ۵- قاموس قرآن، آیه‌الله قرشی، ج ۵ .
 - ۶- صحیح مسلم، جلد ۴ .
 - ۷- الجَنَّةُ، ترمذی، جلد ۴ .
 - ۸- تفسیر ابن عباس .
 - ۹- نورالثقلین، جلد ۵ .
- ﴿ (۱۲۹) ﴾

- ۱۰- تفسیر قرطبی، جلد ۸ .
 - ۱۱- روح البیان، جلد ۲۷ .
 - ۱۲- دُرُّ المنثور، جلد ۶ .
 - ۱۳- تفسیر قمی، جلد ۲ .
 - ۱۴- مجمع البیان .
 - ۱۵- محجة البیضاء، جلد ۸ .
- ﴿ (۱۳۰) ﴾

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

